

دانشگاه شهید بهشتی

# خبرنامه

| گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی |

| سال هشتم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ |

دانشکده ادبیات و علوم انسانی



## فهرست مطالب

- ۲ سر سخن
- ۳ گزارش برخی از تصمیمات و اقدامات گروه
- ۵ دانشجویان برتر کارشناسی گروه تاریخ در نیمسال نخست ۱۴۰۰-۱۳۹۹
- ۵ پایان نامه‌های دفاع شده در نیمسال نخست ۱۴۰۰-۱۳۹۹
- ۶ عناوین و سرفصل‌های جدید مقطع کارشناسی ارشد
- ۷ انتشار شماره سیزدهم نشریه علمی-پژوهشی تاریخ ایران
- ۷ گزارش کتاب نظریه‌ها، مدل‌ها و مفاهیم در تاریخ باستان با ترجمه دکتر احسان افکنده
- ۸ انتخاب دکتر سلیمانی به عنوان پژوهشگر برگزیده در تالیف کتاب‌های نفیس دانشگاه شهید بهشتی
- ۹ تاسیس اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی تاریخ کشور
- ۹ پیام دکتر محمد حاجی تقی در افتتاحیه اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی تاریخ کشور
- ۱۱ سخنرانی دکتر رضا شعبانی در نشست مناسبات تاریخی ایران و آسیا
- ۱۲ گزارش همایش مجازی فرهنگ پهلوانی در تاریخ ایران
- ۱۵ سخنرانی دکتر محمدعلی اکبری در نشست مجازی سوءاستفاده از تاریخ
- ۱۸ سخنرانی دکتر محمدعلی اکبری در نشست کودتا و ظهور لویاتان
- ۲۳ سخنرانی دکتر قباد منصوربخت در نشست مجازی روش تحقیق جاری در پژوهش‌های جاری
- ۲۶ سخنرانی دکتر حسن باستانی راد در نشست تخصصی «دیپلماسی فرهنگی، فرصت‌های جهانی، یونسکو»
- ۲۹ سخنرانی دکتر زهیر صیامیان گرجی در نشست مجازی تاریخ اکثریت
- ۳۳ سخنرانی دکتر زهیر صیامیان گرجی در نشست مجازی رویکرد معرفت‌شناسی مناسب برای آموزش تاریخ
- ۳۷ سخنرانی دکتر زهیر صیامیان گرجی در نشست مجازی دیگری و تاریخ نگاری تمدن اسلامی
- ۳۹ سخنرانی دکتر آرزو رسولی (طالقانی) در نشست مجازی ثنویت از نگاه زرتشت
- ۴۱ سخنرانی دکتر آرزو رسولی (طالقانی) در نشست مجازی سپندارمذگان روز زن و زمین در ایران باستان
- ۴۴ سخنرانی دکتر احسان افکنده در نشست جهان باستان در ستیز و سازش ایران و روم
- ۴۷ سایر نشست‌های اساتید گروه تاریخ



## شناسنامه خبرنامه



صاحب امتیاز: گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

مدیرمسئول: دکتر محمد حاجی تقی

سردبیر: خشایار رضوی

گردآورنده: مریم رشیدی

طراحی و اجرا: محمدجواد محسنی

ویراستار: مریم رشیدی

نشانی: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی،  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه تاریخ

تلفن: ۲۹۹۰۲۴۵۰

فکس: ۲۲۴۳۱۷۱۰

پست الکترونیک: [history.department@webmail.sbu.ac.ir](mailto:history.department@webmail.sbu.ac.ir)

## سرخن

سالی که گذشت علی رغم ناملايمات اپیدمی کرونا و تحولات ساختاری که آموزش تجربه کرد با همت والای اساتید و دانشجویان گروه به شایسته ترین شکل سپری شد. خوشبختانه عملکرد مناسب هیات رئیسه و گروه های علمی دانشکده برآیندی موثر داشت که به کسب رتبه اول آموزش در میان مجموعه های علوم انسانی انجامید. در این میان انجمن علمی گروه با تلاشی مضاعف علاوه بر برگزاری ده ها فعالیت علمی توانست اتحادیه انجمن های علمی تاریخ سراسر کشور را به ثبت برساند و با برنامه ای منسجم فعالیت آن را شروع کند. گروه نیز با همفکری و همکاری اساتید محترم تحولات عمده ای در برنامه آموزشی مقطع دکتری و ارشد ایجاد کرد تا این برنامه ها با نیازها و تحولات علمی روز ایران و جهان هماهنگ باشند. همه این تلاش ها برای بنده که در جایگاه خدمتگزاری سرورانم قرار دارم وظیفه قدرشناسی و سپاسگزاری را مضاعف میکند و سپاسگزاری این همه را بر خود از درگاه خداوند و سروران ارجمندم را بر خود فرض میدانم. اما آنچه که در این چند ترم دغدغه گروه بوده است دانشجویان تازه وارد در هر ترم می باشد که متأسفانه به ناگه با نظام آموزشی متفاوتی روبرو شدند و امکان شناخت حضوری و درک فضای دانشگاهی برای این عزیزان میسر نشد. هر چند اساتید گره به این آسیب ها واقف بودند و شرایط مدیریت شد با این حال در نظر خواهیم داشت که به شرط حیات و رفع این بلیه جبران افات برای این عزیزان بشود و شایستگی های این عزیزان در فرآیند آموزش بیشتر دیده و قدر دانسته شود. در پایان کلام دوست دارم نام دانشجوی گرانقدر و عزیزی را ببرم که در این مدت همیشه در کنارم بود و در انتشار خبرنامه و بسیاری از فعالیت های گروه نقشی فعال داشته است. جناب آقای خشایار رضوی که آرزوی درخشش های علمی بیشتر را برایشان دارم و شکرگزار حضورشان هستم.

محمد حاجی تقی - مدیر گروه تاریخ

## گزارش برخی از تصمیمات و اقدامات گروه تاریخ

۶. عنوان درس «متون تاریخی و اسناد آرشیوی تاریخ آسیای مرکزی و قفقاز» به جای درس نقد و بررسی متون تاریخی (۱۱۱۲۳۰۳) برای دانشجویان کارشناسی ارشد گرایش تاریخ-تاریخ آسیای مرکزی و قفقاز.
۷. عنوان درس «تاریخ فرهنگ و تمدن ایران دوره اسلامی» به جای درس تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی (۱۱۱۲۳۰۰) برای دانشجویان کارشناسی ارشد گرایش تاریخ-تاریخ ایران اسلامی.
۸. نظر به این که در مرحله دوم کدینگ دروس، اداره برنامه‌ریزی در مورد دروس «مبانی علم سیاست» (۱۱۱۲۰۹۸) گروه علوم سیاسی را به عنوان متولی درس انتخاب نمود، شورای گروه عنوان درس «اصول علم سیاست در تاریخ» را با سرفصل جدید به عنوان جایگزین درس فوق، مختص دانشجویان مقطع کارشناسی تاریخ، تعیین و تدوین و مورد تصویب قرار داد.

### جلسه شنبه ۱۳۹۹/۱۱/۸

۱. در ارتباط با فراخوان جذب هیأت علمی گروه، مقرر شد تا پرونده تمامی متقاضیان بدون ملاحظات سنی درخواست شده، پس از بررسی و مصاحبه از تمامی افراد، نتیجه آن اعلام گردد.
۲. تاسیس مرکز شرق‌شناسی و غرب‌شناسی در شورای گروه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مقرر شد، این

### جلسه سه‌شنبه ۱۳۹۹/۱۰/۲

پیشنهاد عناوین و سرفصل‌های جدید دروس ذیل در گرایش‌های مقطع کارشناسی ارشد به شرح زیر، مورد تصویب شورای گروه قرار گرفت.

۱. عنوان درس «مطالعه متون عربی تاریخ و فرهنگ اسلامی» به جای عنوان درس زبان خارجه (با تکیه بر ترجمه متون تاریخی) (۱۱۱۲۳۰۴) برای دانشجویان کارشناسی ارشد گرایش تاریخ-تاریخ اسلام.
۲. عنوان درس «خوانش متون انگلیسی تاریخ جهان» به جای زبان خارجه (با تکیه بر ترجمه متون تاریخی) (۱۱۱۲۳۰۴) برای دانشجویان کارشناسی ارشد گرایش تاریخ عمومی جهان.
۳. عنوان درس «مطالعه متون تخصصی ایران باستان به زبان انگلیسی» به جای درس زبان خارجه (با تکیه بر ترجمه متون تاریخی) (۱۱۱۲۳۰۴) برای دانشجویان کارشناسی ارشد گرایش تاریخ-تاریخ ایران باستان.
۴. عنوان درس «نقد متون در مطالعات تاریخ اسلام» به جای درس نقد و بررسی متون تاریخی (۱۱۱۲۳۰۳) برای دانشجویان کارشناسی ارشد گرایش تاریخ-تاریخ اسلام.
۵. عنوان درس «نقد و بررسی متون و اسناد تاریخی ایران دوره اسلامی» به جای درس نقد و بررسی متون تاریخی (۱۱۱۲۳۰۳) برای دانشجویان کارشناسی ارشد گرایش تاریخ-تاریخ ایران اسلامی.

دانشجوی نمونه سال ۱۳۹۹ انتخاب و آقای محمدجواد محسنی و خانم دلارام حسینی شایسته تقدیر شدند.

موضوع با عنوان «مرکز مطالعات فرهنگی جهان» از سوی گروه مطرح و از آقای دکتر افکنده خواسته شد تا نظرات استادان گروه را در این خصوص گردآوری و تنظیم نماید. ۳. با توجه به درخواست دانشکده، آقایان، دکتر کریم سلیمانی و دکتر حسن باستانی‌راد از سوی شورای گروه تاریخ به‌عنوان پژوهشگر شاخص معرفی شدند. ۴. در ارتباط با انتخاب دانشجوی نمونه گروه از میان دانشجویان مقاطع سه‌گانه، آقای امین داودی به‌عنوان

## دانشجویان نمونه گروه تاریخ در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸



محمدجواد محسنی

دانشجوی شایسته تقدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸



امین داودی

دانشجوی نمونه گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸



سیده دلارام حسینی

دانشجوی شایسته تقدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸

## دانشجویان برتر کارشناسی و پایان نامه های دفاع شده

### دانشجویان برتر کارشناسی گروه تاریخ در نیمسال نخست ۱۴۰۰-۱۳۹۹



سیده ستاره میرآقاسی  
ورودی ۱۳۹۹  
۱۸/۱۳



سینا یزدانی  
ورودی ۱۳۹۸  
۱۸/۲۵



امیر افتخاری میلانی  
ورودی ۱۳۹۷  
۱۹/۰۶

با توجه به سیاست‌های تشویقی گروه تاریخ، در جهت تقویت روحیه کوشش علمی، دانشجویان زیر در مقطع کارشناسی که در پایان نیمسال نخست ۱۴۰۰-۱۳۹۹ موفق به کسب بالاترین معدل در میان هم‌گروه‌های خود شدند و به‌عنوان دانشجویان برگزیده معرفی و جوایزی به آنان اهدا شد. گزینش دانشجویان بر اساس معدل نیمسال جاری (نه معدل کل) بوده است.

## پایان‌نامه‌های دفاع شده در نیمسال نخست ۱۴۰۰-۱۳۹۹

ردیف	نام دانشجو	عنوان رساله	نام راهنما	مقطع	تاریخ دفاع
۱	زهرا محمدی‌فر	زندگی اجتماعی در محلات شهری (تهران) در دوره قاجار با تکیه بر عصر ناصری	دکتر محمدعلی اکبری	ارشد	۹۹/۰۷/۲۷
۲	رشید فرزا	شخصیت‌ها و جریان‌های مخالف بختیاری‌ها در دوران انقلاب مشروطه	دکتر کریم سلیمانی دهکردی	ارشد	۹۹/۱۱/۲۵
۳	احمد باحجب شانه‌بندی	بررسی پیامد تصمیمات سران دول متخاصم در نتیجه جنگ جهانی دوم	دکتر کریم سلیمانی دهکردی	ارشد	۹۹/۱۱/۲۷
۴	حسین محسنی	تاریخ اجتماعی نخبگان در قرون متقدم اسلامی با تکیه بر رجال‌کشی	دکتر زهیر صیامیان گرجی	دکتری	۹۹/۱۱/۲۸
۵	مرضیه آخته	بررسی زمینه‌ها و نتایج سیاست انحصار تجارت قند و شکر در دوره پهلوی اول	دکتر میکائیل وحیدی‌راد	ارشد	۹۹/۱۱/۲۸
۶	مینا حیدری	زمینه‌ها و علل شکل‌گیری حکومت جمهوری در افغانستان ۱۳۵۲ه. ش / ۱۹۷۳ م	دکتر میکائیل وحیدی‌راد	ارشد	۹۹/۱۱/۲۸
۷	لیلما غفوری	زمینه‌های بی‌ثباتی مرزهای شرقی صفویان در قرن یازدهم قمری	دکتر حسن باستانی‌راد	ارشد	۹۹/۱۱/۲۹

### عناوین و سرفصل‌های جدید مقطع کارشناسی ارشد

ردیف	گرایش	عنوان و سرفصل پیشین	عنوان جدید
۱	تاریخ اسلام	شناخت روشهای تحقیق در تاریخ	چهارچوب روشهای پژوهش در تاریخ اسلام
۲	تاریخ اسلام	زبان خارجه (با تکیه بر متون خارجی)	مطالعه متون عربی تاریخ و فرهنگ اسلامی
۳	تاریخ اسلام	نقد و بررسی متون تاریخی	نقد متون در مطالعات تاریخ اسلام
۴	تاریخ عمومی جهان	شناخت روشهای تحقیق در تاریخ	روشها و تکنیک های تاریخ پژوهی در تاریخ جهان
۵	تاریخ عمومی جهان	زبان خارجه (با تکیه بر متون خارجی)	خوانش متون انگلیسی تاریخ جهان
۶	تاریخ ایران باستان	شناخت روشهای تحقیق در تاریخ	روشهای پژوهش در تاریخ ایران باستان
۷	تاریخ ایران باستان	زبان خارجه (با تکیه بر متون خارجی)	مطالعه متون تخصصی ایران باستان به زبان انگلیسی
۸	تاریخ ایران باستان	نقد و بررسی متون تاریخی	آشنایی با زبان و متون اوستایی
۹	تاریخ ایران اسلامی	شناخت روشهای تحقیق در تاریخ	روشهای تحقیق در تاریخ
۱۰	تاریخ ایران اسلامی	نقد و بررسی متون تاریخی	نقد و بررسی متون و اسناد تاریخی ایران دوره اسلامی
۱۱	تاریخ ایران اسلامی	تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی	تاریخ فرهنگ و تمدن ایران دوره اسلامی
۱۲	تاریخ آسیای مرکزی و قفقاز	نقد و بررسی متون تاریخی	متون تاریخی و اسناد آرشیوی تاریخ آسیای مرکزی و قفقاز

## انتشار شماره سیزدهم نشریه علمی پژوهشی تاریخ ایران

شماره ۱۳ نشریه علمی پژوهشی تاریخ ایران به سردبیری دکتر محمدعلی اکبری منتشر شد. این نشریه که از سال ۱۳۸۷ منتشر می شود تاکنون با انتشار ۲۲ شماره، به صورت دو فصلنامه دستاوردهای علمی و پژوهشی محققان را به صورت شایسته‌یی در اختیار پژوهشگران و علاقمندان به حوزه تاریخ ایران قرار داده و همچنان رسالت خود را افزایش کیفیت و ارتقا جایگاه علمی اش به پشتوانه جلب مشارکت محققان و پژوهشگران حوزه تاریخ ایران می‌داند که با ارسال مقالات عالمانه و ارزشمند خود به غنای هر چه بیشتر مجله و ارتقا جایگاه علمی دانش تاریخ در کشورمان یاری رسانند.



## گزارش کتاب نظریه‌ها، مدل‌ها و مفاهیم در تاریخ باستان با ترجمه دکتر احسان افکنده

تحریف گزارش‌های تاریخی می‌شود. دیگر مورخان بر آن‌اند که هیچ مورخی بی‌نیاز از نظریه نیست، اما بسیاری از مورخان از پیش‌فرض‌های مبنای گزارش‌هایشان ناآگاه‌اند، امری که

جایگاه نظریه در بررسی تاریخ مناقشه‌انگیز است. برخی از مورخان بر این باورند که کاریست اندیشه‌ها و مفاهیمی اخذشده از رشته‌های مرتبط با علوم انسانی و اجتماعی موجب



خود مشکل آفرین است. کتاب «نظریه‌ها، مدل‌ها و مفاهیم در تاریخ باستان» نوشته نویل مورلی با ترجمه احسان افکنده در ۱۸۰ صفحه، در سال ۱۳۹۹ توسط انتشارات سمت به چاپ رسیده است. این کتاب راهنمایی برای دانشجویان در باب نحوه کاربست نظریه‌ها، مدل‌ها و مفاهیم در تاریخ باستان است و بر آن است تا نشان دهد که چگونه می‌توان نظریه‌ها را در راستای تبیین شواهد و نیز ارزیابی گزارش‌های تاریخی به کار برد. کتاب به بررسی اندیشه‌ها و نظریه‌های کلیدی در خصوص موضوعات مرتبط با تاریخ باستان از جمله جامعه، اقتصاد، فرهنگ و ذهنیت می‌پردازد. نویسنده کتاب، نویل مورلی، استاد مطالعات کلاسیک و تاریخ باستان در دانشگاه اکسیترا انگلستان است و کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه‌های تاریخ‌نگاری، اقتصاد و جامعه در روزگار باستان کلاسیک (یونان و روم باستان) نگاشته است.



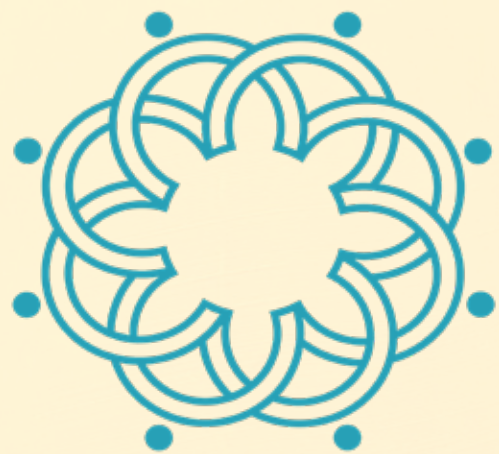
## انتخاب دکتر سلیمانی به عنوان پژوهشگر برگزیده در تالیف کتاب‌های نفیس دانشگاه شهید بهشتی

خبرنامه گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی انتخاب استاد بزرگوار جناب آقای دکتر کریم سلیمانی را به عنوان پژوهشگر برگزیده در تالیف کتاب‌های نفیس دانشگاه شهید بهشتی به ایشان و گروه تاریخ تبریک می‌گوید و برای ایشان بهترینها را از درگاه خداوند متعال خواستار است.



## تاسیس اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی تاریخ کشور

در جلسه اخیر دبیران انجمن‌های علمی تاریخ کشور که با حضور ۲۵ دانشگاه از سراسر کشور برگزار شد، اساسنامه پیشنهادی وزارت علوم بررسی شد و سپس با در نظر گرفتن اصلاحاتی اساسنامه با اکثریت آرا به تصویب رسید. در ادامه این جلسه، انتخابات شورای مرکزی اتحادیه برگزار شد و امین داودی از دانشگاه شهید بهشتی، سارا بابامرادی از دانشگاه علامه طباطبایی، ستایش دامن افشان از دانشگاه شهید چمران اهواز، محمد دلیری از دانشگاه شیراز، محمد مهدی صالح پور از دانشگاه مازندران، سهیل مقیمی از دانشگاه تهران و سعیده حیدری نژاد از دانشگاه تربیت مدرس انتخاب شدند. در این جلسه که در سامانه مجازی اتحادیه‌های انجمن‌های علمی وزارت علوم برگزار شد، با اکثریت آرای اعضای شورای مرکزی، امین داودی به عنوان دبیر اتحادیه انتخاب شد.



### اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی تاریخ تاسیس ۱۳۹۹

اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی تاریخ کشور تاسیس شد و دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شهید بهشتی تهران به عنوان اولین دبیر اتحادیه انتخاب شد.

## پیام دکتر محمد حاجی تقی در افتتاحیه اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی تاریخ کشور

که به شرح زیر است:  
شکل‌گیری این اتحادیه قابل تحسین است، چراکه سرگروه‌های تاریخ از سراسر کشور، به یکدیگر متصل و باهم تعامل پیدا کردند، امید است تا از ورای این

با تأسیس اتحادیه انجمن‌های علمی تاریخ، دکتر محمد حاجی تقی، مدیرگروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، ضمن قدردانی و تبریک از تمام دانشجویان تاریخ به همین منظور سخنرانی مختصری ایراد کردند



این مطالبات صنفی اولویت دانشجویان ما و دغدغه ماست و ما به این اتحادیه دل بستیم تا در عرصه علم و عرصه مطالبات صنفی فعال و شاهد رشد تک تک شما عزیزان باشیم.

حرکت، شاهد پویای علمی باشیم. علاوه بر این که دانشجویان مان می توانند فعالیت های علمی بسیار خوبی را در این عرصه، رقم بزنند، چیزی که دغدغه فکری همه اساتید گروه های تاریخ است، دوستان ما می توانند از این طریق، در زمینه مطالبات صنفی خود فعال باشند و این موضوع را در اولویت خود قرار دهند. چراکه این حق دانشجویانست که با تلاش های چندین و چند ساله، خواستار حقوق از دست رفته خود باشد.

امید دارم که این اتحادیه، درد دانشجویان تاریخ را، خصوصا مشکلات اشتغال را فریاد بزند و به گوش مسئولان برساند.

از اتحادیه می خواهم تا این اجازه را ندهید که هنوز هم عده ای، رشته تاریخ را علم تلقی نکنند و از رشته های غیر به فرزندان مان دروس علوم انسانی را آموزش دهند و در مقابل حرکت های این چینی بایستید و حق خود را مطالبه کنید.

## نشست‌های اساتید گروه تاریخ

### سخنرانی دکتر رضا شعبانی در نشست مناسبات تاریخی ایران و آسیا

که شامل کشورهای غرب تا شرق قاره آسیا می‌شد و بازه زمانی آن از دوران باستان تا دوره معاصر را در بر می‌گرفت. این کنفرانس به دلیل شیوع ویروس کرونا، به صورت غیر حضوری و اینترنتی انجام شد. کنفرانس مزبور، شامل بخش افتتاحیه، سخنرانی ویژه، سخنرانی‌های تخصصی و اختتامیه بود و بیست و پنج سخنران داشت.

در بخش افتتاحیه، جناب آقای دکتر ظریف وزیر محترم امور خارجه به سخنرانی پرداختند که این مسئله خود حاکی از اهمیت این موضوع برای دستگاه دیپلماسی کشور شد.

سخنران دوم بخش افتتاحیه، دکتر رضا شعبانی، استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی بود که به عنوان نماینده جامعه علمی تاریخ کشور به سخنرانی پرداخت. وی با اشاره به اینکه مردم ایران از کهن‌ترین زمان‌ها تا به امروز در مسائل سیاست خارجی خود با کشمکش روبرو بوده‌اند، اما از آنجا که دارای یک زیست‌مدنی مشترک هستند، در برابر بیگانگان منکوب نمی‌شدند. بخش دیگر سخنان دکتر شعبانی، به نفوذ زبان فارسی در شبه قاره هند اختصاص داشت. این زبان که همواره به عنوان جزوی از هویت ایرانی محسوب می‌شده است، از طریق شاهران پارسی گوی به شبه قاره، نفوذ پیدا کرده است و عاملی برای پیوند دو هویت آسیایی ایرانی- هندی با یکدیگر بوده است، به طوری که در این منطقه، ایرانیان و فارسی‌زبانان از احترام ویژه‌ای برخوردارند.

مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی  
برگزار می‌کند

چهارمین کنفرانس تاریخ روابط خارجی

## مناسبات تاریخی ایران و آسیا

تاریخ برگزار می‌کند  
وگفته‌ها ۷ دیماه ۱۳۹۹ ساعت ۹ تا ۱۶

**سخنرانان:**

- ✓ آقای دکتر سید محمد کاظم سجادیپور
- ✓ آقای دکتر رضا شعبانی
- ✓ آقای دکتر عبدالرسول خیراندیش
- ✓ آقای دکتر منصور صفت گل
- ✓ آقای دکتر علی کالیبراد
- ✓ خانم دکتر الهام ملک زاده
- ✓ و جمعی دیگر از استادان و پژوهشگران حوزه تاریخ روابط خارجی

این نشست از طریق نرم افزار Adobe Connect برگزار می‌شود  
ملازمان برای شرکت در این نشست، با شماره‌های ۲۲۸-۲۶۷۳ داخلی ۲۶۶۲، ۲۶۶۰، ۲۶۶۸ و ۲۶۶۸ تماس حاصل نمایند.

در تاریخ ۷ دی ماه ۱۳۹۹، در تداوم مباحث حوزه تاریخ روابط خارجی، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی چهارمین کنفرانس تاریخ روابط خارجی ایران را با تأکید بر کشورهای آسیایی برگزار کرد. این کنفرانس که سه دوره آن به صورت متوالی طی سال‌های ۹۸-۹۶ برگزار شده است، امسال نیز با حضور جمعی از استادان، دانشجویان و پژوهشگران تاریخ و به صورت مجازی برگزار گردید. محتوای مقالات این کنفرانس، به لحاظ زمانی و مکانی متنوع بود

## گزارش همایش مجازی فرهنگ پهلوانی در تاریخ ایران



گزارش:  
آویشن سربازوطن رشید

ادامه می‌یابد.»

در ادامه این نشست، دکتر منصوربخت به گشت‌های تاریخی پرداختند و از چهار گشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نام بردند.

دکتر منصوربخت گفتند: «در گشت سیاسی، آن چیزی که در وهله اول اتفاق می‌افتد جابه‌جایی افراد است و پس از آن تغییر سازمان‌های سیاسی دیده می‌شود و کل تاریخ در معرض گشت‌های متعدد سیاسی قرار دارد. بنابراین، سازمان‌ها و نحوه اداره کشور هم در معرض گشت قرار می‌گیرد و مهم‌ترین وجهی که تعیین‌کننده و اثرگذار است و البته در لایه‌ای پنهان قرار دارد، تغییر اندیشه و تفکر سیاسی است.»

دکتر منصوربخت این سوال را مطرح کردند که: «با تغییرات سیاسی، در زندگی توده مردم چه اتفاقی می‌افتد و مردم جامعه در چه شرایطی قرار می‌گیرند؟»

سپس در پاسخ به پرسش خود گفتند: «اوضاع در جریان تغییرات می‌تواند بهتر یا بدتر شود اما جریان عادی زندگی ادامه دارد و گشت سیاسی اساس زندگی یک جامعه را در معرض تغییر قرار نمی‌دهد و با بقا و زندگی اجتماعی مشکلی ندارد.» پس از گشت سیاسی نوبت به گشت اجتماعی رسید و طبق توضیحات دکتر منصوربخت، آنچه که در گشت اجتماعی روی داده این است که صورت‌بندی و ساختار زندگی اجتماعی

نشست فرهنگ پهلوانی در تاریخ ایران به منظور بزرگداشت فرهنگ پهلوانی در تاریخ ایران و تکریم آقای دکتر محمدتقی امامی خویی با همت گروه تاریخ دانشگاه الزهراء انجمن ایرانی تاریخ و با حضور چند تن از اساتید این حوزه به صورت مجازی مورخ ۱۳۹۹/۹/۲۷ برگزار شد. در این نشست، اساتیدی چون دکتر محمدتقی امامی خویی، دکتر جمشید آزادگان و دکتر قباد منصوربخت سخنرانی کردند.

دکتر امامی در ابتدای سخنان خود به ویژگی‌ها و فاکتورهای لازم پهلوانی و تفاوت آن با زورمندی اشاره کردند. دکتر امامی پس از ذکر این نکات، سخنان خود را با ذکر این نکته به پایان رساندند که آب و خاک را به عنوان دو عنصر که زندگی بشر و تمام منش‌ها به آنها وابسته است، اشاره کردند و گفتند که پهلوانان می‌گویند: «مانند آب باش، آنقدر که روی زمین بخیزی ولی غصه نخور تو آخر به دریا می‌رسی و دریا برای توست.»

و دلیل بوسیدن خاک توسط پهلوانان هنگام ورود به زورخانه‌ها را بیان کردند و گفتند: «این کار، نخستین کاری است که پهلوانان هنگام ورود به زورخانه انجام می‌دهند، زیرا خاک عزیزترین دوست پهلوان است و دیر یا زود دوستی‌اش با خاک

تغییر کرده است، ساختارهایی مانند ادوار تاریخی که در جوامع بشری طی شده و منظر تغییرات اجتماعی به تغییر طبقات، گروه‌ها، جایگاه‌ها، مناسبات اجتماعی و... مربوط می‌شود. در گذر زمان با غارنشینی، چادرنشینی، روستانشینی و بعد با شهرنشینی روبه‌رو بوده‌ایم که شهرنشینی دوره سنت با شهرنشینی مدرن از نظر ماهیت متفاوت‌اند. در واقع با توجه به این توضیحات، گشت اجتماعی، جامعه را به سمت بهبود سوق می‌دهد.

به علاوه ایشان در خصوص گشت اقتصادی خاطر نشان کردند که: «این گشت عبارت است از: اقتصاد خوراک‌یابی و شکار، به اقتصاد شبانی و رمه‌گردانی بعد از این مرحله گذری داریم به زندگی کشاورزی و در نهایت مسئله اقتصاد صنعتی که از اروپا آغاز شد و در همه جای جهان منتشر شد، به این صورت از گشت اقتصادی هم می‌توان به عنوان یک بهبود صحبت کرد.

هنگامی که نوبت به گشت فرهنگی رسید دکتر منصوربخت بحث را باسوالی آغاز کردند مبنی بر اینکه آیا گشت و تغییرات فرهنگی که در طول تاریخ اتفاق می‌افتد وضعیت سه گشت قبلی را دارد؟ و آیا می‌توانیم در گشت فرهنگی از بهبود صحبت کنیم؟

ایشان در پاسخ به پرسش خود از دو عرصه در گشت فرهنگی سخن راندند که عبارت‌اند از: عرصه نظر (شناخت) و عرصه عمل (اخلاق) عرصه دوم یعنی اخلاق نیز دارای دو بخش عرفی و مبنایی یا ابتنائی است.

ایشان افزودند: «حال در گشت فرهنگی که بر اخلاق

متمرکز می‌شویم چه اتفاقی می‌افتد؟ هنگامی که ما در سیاست، اجتماع و اقتصاد روبه‌رو می‌شویم، در واقع با گشتی تاریخی سروکار داریم که تابع شرایط تاریخی می‌باشد. زمانی که گشت تاریخی صورت می‌گیرد، صورت‌بندی و ساختار پیشین از صحنه خارج می‌شود، مثل گروهی که وارد زندگی کشاورزی می‌شوند، شیوه زندگی شبانی را کنار می‌گذارند.» دکتر منصوربخت بار دیگر سوال خود را تکرار کردند که آیا در اخلاق تغییر صورت می‌گیرد؟ و اینگونه جواب دادند:

«در اخلاق عرفی تغییرات زیادی صورت می‌گیرد، چرا که اخلاق عرفی، کم و بیش تابع شرایط مادی زندگی است. اما در اخلاق مبنایی وضعیت جور دیگری است، زیرا آن چیزی که در تحولات تمدنی در طول تاریخ نشان می‌دهد؛ زیرا آنچه که از تحولات تمدنی در طول تاریخ استنباط می‌شود این است که تمدن بعدی ناسخ تمدن پیشین است، به عنوان مثال: تمدن به مثابه عمارتی است که تمدن جدید، تمدن گذشته را از بین می‌برد و با استفاده از مصالحی که در اختیار دارد، تمدن جدید را تأسیس می‌کند اما مصالح تمدن قدیم را در تمدن جدید به کار می‌گیرد؛ در حالی که صورت‌بندی مختص به تمدن جدید است.»

به دنبال این سخنان سوال دیگری از طرف ایشان مطرح شد که براساس اخلاق قدیم، آیا اخلاق مبنایی تابع شرایط تاریخی است یا امری عام و فراتاریخی می‌باشد؟

ایشان اینگونه پاسخ دادند که: «اصول اخلاقی تاریخی، اصول فرا تاریخی است و برای اثبات این مدعا، می‌توانیم به اساطیر گذشته که نبرد خیر و شر را دربرمی‌گیرد، رجوع کنیم.

تخیلات شگفت‌انگیز که کسِ یگانه‌ای آن را نگفته، بلکه خاستگاهی مردمی و باوری دارد. ایفاگران نقش‌های اساطیر اینها هستند: هیاکل برتر از آدمیزادگان، نیروهای طبیعی و مافوق طبیعی که ماجراها و کارهای ایشان در مواردی بسیار پیچیده و مرموز است.

۳- تعریف پیتر مردوخ: اسطوره، داستانی باستانی به سبک روایتی است که محتوای دینی دارد، مخصوصاً اعمال و امور مافوق طبیعی را برمی‌نمایاند. می‌توان گفت که اسطوره، توصیفی افسانه‌ای از منشأ آیین‌های دینی، رسوم اجتماعی، پدیده‌های طبیعی و... وجود دارد.

دکتر آزادگان در ادامه، به اهمیت وجوه مشترک آنها اشاره کردند و این وجوه مشترک را به شرح زیر نام بردند:

- ۱- واقعهٔ قدسی و ازلی ۲- روایت رویدادهای طبیعی و فوق طبیعی ۳- هیاکل خیالی موجودات طبیعی و فوق طبیعی ۴- اعمال پیچیده و مرموز هیاکل برتر طبیعت ۵- اموری به ظاهر واقعی ولی غیر واقعی و خیالی ۶- روایاتی باورمندانانه و ایمانی که زیربنای مناسک و مراسم پرشور ملل باورمند قرار می‌گیرد.
- دکتر آزادگان در انتها، به عنوان حسن ختام سخنان خود و نشست مزبور گفتند: «اسطوره، دایره‌المعارف نانوشتهٔ همهٔ اشیا و اموری است که انسان ابتدایی‌اندیش از خود پدید آورده، بیان کردند. چراکه انسان‌های آن زمان نمی‌توانستند جواب سوالات خود را در مورد همهٔ امور جهان به آینده محول کنند که با تجربیات مطابقت داشته باشد و به ناچار و در حد ذهنیات پر از تخیل و توهم خود جواب‌هایی داده‌اند.»

اگر مایل به، به کارگیری این تعبیر هستیم، می‌توانیم از نبرد و رقابت میان جوانمردان با ناجوانمردان، پهلوانان با افراد شرور و... یاد کنیم.

دکتر منصوربخت، سخنان خود را اینگونه پایان دادند: اخلاق ابتنائی، دارای وضعیتی فراتاریخی می‌باشد، فراتاریخی یعنی در تمام ادوار گذشته، اصول اخلاقی‌ای که از اساطیر ریشه دوانده، همچنان ادامه داشته‌اند تا اینکه در دورهٔ جدید با مشکلی روبه‌رو هستیم، چراکه در این دوره، حقیقت اخلاق فتوت و اخلاق قدیم زیر سوال می‌رود و مبنای اخلاق تغییر می‌کند. اگر مبنای اخلاق و فتوت از حیث فردی، خدمت به هم‌نوع و خلق باشد در غرب تحولاتی صورت می‌گیرد که حقیقت‌اندیشی اخلاقی به منفعت‌اندیشی اخلاقی تبدیل می‌شود. همچنین وجه غالب اخلاق، به منفعت مبدل می‌گردد؛ منفعتی که به معنای توجه به منفعت عمومی نیست بلکه بر مبنای منفعت شخصی بنا شده و همه چیز به اخلاق منفعت‌طلبانه تبدیل می‌شود. در نهایت، این اخلاق منفعت‌اندیش، اخلاق قدیم و به خصوص فتوت را از بین می‌برد و دورهٔ جوانمردی پایان می‌پذیرد.»

در پایان این نشست نیز دکتر آزادگان سخنان خود را با چند تعریف از اساطیر و تفاوت آنها با قصه، رمان و افسانه بیان کردند.

ایشان ابتدا از میان ده‌ها تعریف از اسطوره به چند تعریف از آن بسنده کردند که شرحش زیر آمده است:

۱. تعریف دکتر مهرداد بهار: اسطوره روایت واقعیتی است ازلی و مقدس.
۲. تعریفی از آندره لالاند: اسطوره روایتی است، پر از

## سخنرانی دکتر محمدعلی اکبری در نشست مجازی سوءاستفاده از تاریخ



گزارش:  
مریم رشیدی آلاشتی

دادند و برای اثبات مدعای خود از ادبیات تعلیمی مدد گرفتند؛ چراکه قواعد و چهارچوب‌های زندگی اجتماعی را در برمی‌گیرد و به ذکرو قایع تاریخی در قالب حکایت می‌پردازد. اما در ادب تعلیمی، این حکایت‌ها به خودی خود و با تکیه بر تاریخ، موضوع بحث نیستند و آنچه که آنها را به استخدام در می‌آورد؛ توجه به آنها و تحکیم یک امر اخلاقی یا شیوه زندگی است. در اینجا، استفاده طریقتی از تاریخ که خودش موضوعیت ندارد، موضوع تاریخ است و در جهت تحکیم چیز دیگری به کار گرفته می‌شود و امر جدیدی نیست بلکه امری قدیمی است؛ برای مثال: تاریخ مقدس در متون دینی و علی‌الخصوص متون مقدس، به روایت گذشته می‌پردازند ولی هدف آنها، آگاه‌سازی فی‌النفسه از واقعه‌ای در گذشته نیست.

بنابراین، سوال اینجاست که آیا رویکردی که تاریخ را به عنوان شاهد برای تحکیم ادب مورد استفاده قرار می‌داد؛ در زمره استفاده از تاریخ یا از مصادیق سوءاستفاده از تاریخ قرار می‌گیرد؟ پاسخ به این پرسش آسان نیست.

گذشته، در نگاه طریقتی نیز دارای کاربرستی است که آن را از موضع تاریخی خود جدا می‌سازد و تاریخ در اینجا صرفاً به عنوان ابزاری تحکیم‌کننده کاربرد دارد، گویی که از جنس تجربه است؛ در قرون جدید نیز همین‌گونه است و صرفاً در قاعده‌هایی که زیستن و نگرستن به جهان را محور خود قرار می‌دهند، تاریخ احضار می‌شود و در صورتی بازتعریف و بازسازی می‌شود تا امری را به اثبات برساند.

اولین نشست مجازی از سلسله نشست‌های شب‌های تاریخ تحت عنوان «سوءاستفاده از تاریخ» با سخنرانی دکتر اکبری در تاریخ ۹۹/۱۰/۰۳ برگزار شد.

ایشان در ابتدا، اذعان کردند که سوءاستفاده از تاریخ، برخلاف آنچه که به نظر می‌رسد، امر ساده‌ای نیست و با طرح پرسش‌هایی بر همین مبنا، عقیده مورخان در مورد سوءاستفاده از تاریخ را در دو دسته قرار دادند؛ اولین نوعی راست‌نمایی دروغ‌هایی که خلاف واقع است، تلقی و نوع دیگر سوءاستفاده از آن را حال کردن تاریخ به معنی خارج کردن وقایع و رویدادها از جایگاه تاریخی خود و رهاسازی آن به منظور به کارگیری مقاصد خاص، دانستند.

سپس ایشان محور اصلی بحث خود را بر روی حال کردن تاریخ قرار دادند و برای شفاف‌سازی آن، به دو نکته موضوعیت و طریقت تأکید کردند و گفتند: «ما بر اساس موضوعیت می‌توانیم با گذشته، وقایع و انسان‌های آن مواجه شویم؛ وظیفه مورخان این است که گذشته را در دستور کار خود قرار دهند و به شناسایی خود تاریخ که گذشته زندگی انسان، پردازند. به علاوه، مواجهه دیگر، همان مواجهه طریقتی است که در آن گذشته اهمیتی ندارد و تنها برای پیشبرد مقاصد دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

ایشان، طریقت داشتن تاریخ را به ظهور تاریخ مکتوب تعمیم



وجود ندارد. ایدئولوژی‌ها زمانی که به سوی تاریخ می‌روند، تاریخ را به اقتضای دستگاه ایدئولوژیک و روایتی خود می‌سازند.

ایشان افزودند؛ ما امروزه واژه‌ای داریم تحت عنوان سیاست هویت یعنی ساختن هویت آنچنان که باید، این باید به وسیله قدرت مناسبات سرمایه و ترجیحات طبقاتی تعیین می‌شود. در این زمان است که به سراغ تاریخ رفته می‌شود. برای مثال: در روایت تاریخی پهلوی اول تاریخ شاهنشاهی ایران ۲۰۰۰ ساله است و یا تاسیس سلسله طاهریان، نخستین قیام ملی ایرانیان برای خارج شدن از یوغ اعراب است؛ در حالی که عبدالله طاهری یکی از امیران بزرگ طاهری بود که هیچ میانه خوبی با زبان عربی نداشت. بنابراین این نمونه‌ها، واقعیت‌های آشکار تاریخی هستند، چرا که اجتناب‌ناپذیرند و هنگامی که در مواجهه با تاریخ؛ تاریخ، طریقتی می‌یابد و نه موضوعیت، این امر اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

چه در سنت قدما و چه در دوران معاصر وقتی مبنای مواجهه با تاریخ، مبنای طریقتی باشد و نه موضوعیت، سواستفاده از تاریخ، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. منطق چنین مواجهه‌ای ایجاب می‌کند که تاریخ از اینجا و اکنون تخلیه شود. ایدئولوژی‌ها، گفتمان تاریخ را می‌سازند، در واقع همان برساخت‌هایی است که از موضوع مواجهه طریقتی تاریخ ساخته می‌شود. گفتمان تاریخ چون از قبل، خود را به عقد قدرت درآورد، هنگامی که روایت تاریخی می‌سازد به نحو پیشینی در عینک قدرت و صور مختلف قدرت در لایه‌های مختلف قدرت به طور اجتناب‌ناپذیری به بار می‌آورد و ما در دوران کنونی با گفتمان‌های تاریخی مواجه هستیم که محصول مواجهه طریقتی با تاریخ است که هفتی‌النفسه، دغدغه تاریخی ندارند.

به این ترتیب که تاریخ به نحو سیستماتیک گرفتار گفتمان

دو مورد از رویکردهای طریقتی در دوران جدید عبارتند از: ایدئولوژی‌ها و هویت‌سازی‌ها.

ایدئولوژی‌ها، گفتارهایی هستند که در پی پاسخ به پرسش‌هایی چونانسان چیست؟ جامعه چیست؟ و حتی تاریخ چیست؟ در واقع تاریخ موادی است که برای برساخت‌های جدید به کار گرفته می‌شود و مطابق با دستگاه ایدئولوژیک و برای پیشبردن گزاره‌های آن، آنها را به کار می‌بندد و در اینجا نیز تاریخ موضوعیت ندارد، بلکه تاریخ طریقتی می‌یابد. برای مثال: ایدئولوژی ناسیونالیستی می‌خواهند موجودیتی برای دولت-ملت بسازند که نیازمند پیشینه و تاریخ است، بنابراین دست به تاریخ‌سازی می‌زنند و همه اینها فارغ از درست یا نادرست بودن، در خدمت چیزی قرار خواهند گرفت که پدیده تاریخی را از اصل خود جدا می‌سازد و در خدمت چهارچوبی ایدئولوژیک قرار می‌گیرد.

همچنین ایشان به ذکر این نکته پرداختند که، علاوه بر ایدئولوژی‌ها، رکن مهم دیگر هویت‌ها هستند. برای برساختن یک هویت در امروز و اکنون، سو استفاده از تاریخ صورت می‌گیرد؛ زیرا در این مقوله و به خدمت گرفتن تاریخ، بحث اصلی گذشته نیست، بلکه حال و آینده است. در واقع گذشته به استخدام وضعیت فعلی در می‌آید و اقتضای هویت جدید را بر روی پدیده تاریخی قرار می‌دهد و هر جا را که لازم باشد، حذف یا پررنگ می‌کند. این کاری است که هویت جدید و جنسیتی و قومی و... می‌کند.

در دوران جدید، ایدئولوژی‌ها عمدتاً و هویت‌ها به مصالحی از گذشته احتیاج دارند که مدعیات خود را تحکیم کنند. رانکه معتقد است که مورخان می‌بایست، گذشته را آنگونه که هست، ببینند؛ اما در نگاه طریقتی، اساساً چنین دغدغه‌ای به ویژه به نحو آگاهانه

و همچنین، می‌تواند به تعداد تصویرهای ممکن آن، امر واقع ساخت، پس رویکرد تاریخ انتقادی یک امکان است.

تاریخ انتقادی به عنوان پادزهری برای تاریخ سواستفاده قرار گرفته، عمل می‌کند و از این حیث مهم است. ایشان افزودند: «در جهان کنونی، ایدئولوژی‌ها همه چیز را دربرگرفته‌اند که با قدرت نیز در پیوندند؛ در چنین جهانی پادزهری به عنوان رویکرد انتقادی در تاریخ، امکانی است برای نگرشی متفاوت به موضوع.»

در پایان ایشان به این نکته تاکید کردند که اگر بخواهیم در مورد سواستفاده از تاریخ در عرف مورخان صحبت کنیم، یک وجه از کاربست طریقتی تاریخ است؛ به این معنی که پدیده‌ها را از موقعیت تاریخی خود جدا و آنها را برای امور دیگر به کار می‌گیرد، این مهم‌ترین سواستفاده و نوعی سواستفاده نهادینه از تاریخ است.

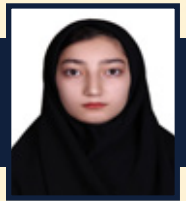
در عصر کنونی، با پدیده گفتمان تاریخی روبرو هستیم که انواع مختلفی دارد و کار آن بر ساختن تاریخ در قدرت است. اگر ما تنها مواجهه خودمان را این تنها راه است و گویی لازمه تاریخ همین است که تاریخ به چنین کاری بیاورد و این که سواستفاده و استفاده از تاریخ خود نوعی کلاه گذاشتن برای سواستفاده از تاریخ است. و اگر نخواهیم، می‌توانیم از تاریخ انتقادی استفاده کنیم؛ چراکه برای خراب کردن به کار می‌رود به نظر می‌رسد مورد استفاده قرار گیرد اما این که چگونه می‌توانیم به جنگ سواستفاده از تاریخ برویم خود جای بحث است.



تاریخی شده‌است، پرسشی مطرح می‌شود: چگونه، می‌توان در چنین شرایطی سخن از تاریخ به مابو تاریخ داشت؟ آیا این یک خیالی بیش نیست؟ نگرش پست مدرن می‌گوید؛ همه اینها گفتمان تاریخ است، چیزی جز روایت در تاریخ وجود ندارد و همه تاریخ‌ها گفتمان تاریخ هستند. بدین صورت پرسش سواستفاده از تاریخ دروغ است، چراکه تاریخ به معنای دروغ وجود ندارد و نگرستن به تاریخ جز با عینک قدرت نیز ممکن نیست و به طور کلی، همگان با همین عینک به گذشته نگاه می‌کنند و در این امر دخیل هستند.

مواجهه دیگر، رویکرد انتقادی تاریخ است، نیچه در تبارشناسی تاریخ از مفهوم خاستگاه برخلاف مفهوم معمول آن استفاده می‌کند و آن را محلی می‌داند که هدر آن گفته‌های متناقض وجود دارد و باتوجه به نامنظم بودن آن، با رفتن به خاستگاه می‌توان، تصویرهایی از تاریخ را که محذوف شده تا تصویر ایدئولوژیک بسازد، دید. رویکرد انتقادی به تاریخ دعوتی به خاستگاه است، اما نه برای شناسایی ریشه‌های اکنون و نه برای شناسایی نظم‌های معتبر، بلکه برای شالوده‌شکنی اکنون. در اینشالوده‌شکنی؛ امکان نقد آنچه که ساخته‌شده، وجود دارد

## سخنرانی دکتر محمدعلی اکبری در نشست کودتا و ظهور لویاتان



گزارش:  
دلارام حسینی

چهارشنبه مورخ ۶ اسفند ۱۳۹۹ برگزار کرد.

دکتر اکبری سخنان خود را با ذکر نکته‌ای آغاز کردند و به اعتقاد ایشان، بعد از مشروطیت تا وقوع کودتای ۱۲۹۹، کودتای سوم اسفند، تنها کودتایی نبود که در دوران مشروطیت ایران به وقوع پیوسته و در تاریخ ایران، ما دست کم دو کودتای جدی پیش از این کودتا داریم: «در مجلس اول و همینطور در پایان مجلس دوم، یک شبه کودتا در دوران جنگ جهانی اول را داریم. با تشکیل دولتی به موازات دولت مرکزی توسط مهاجرین در کرمانشاه اگرچه به دقت نمی‌توان آن را کودتا نامید و به هم دلیل است که به آن را یک نوع شبه کودتا می‌گوییم، اما می‌توان آن را کودتا به حساب آورد.»

ایشان سخن خود را اینگونه تعبیر کردند که ما با یک پدیده بدیع، نو و منحصر به فرد در تاریخ پیش از وقوع کودتا ۱۲۹۹ روبه‌رو نیستیم، کودتا ۱۲۹۹ یکی از چند کودتایی است که از زمان مشروطیت تا این زمان به وقوع پیوسته است. در ادامه، نکته‌ای دیگر را ذکر کردند که مربوط به تغییرات اساسی در ذات کودتاست، ایشان معتقدند که کودتاهای دیگر یعنی دو کودتا و یک شبه کودتا، در زمان وقوع خود تغییرات جدی به وجود آوردند که یکی از آنها عمر نسبتاً قابل توجهی داشت و دیگری نیز سه سال و اندی عمر کرد. در حالی که کودتای ۱۲۹۹ که اگر آن را از زمان تصرف تهران در سوم اسفند

وینار پژوهشگاه علوم انسانی به منظور یکصدمین سالگرد کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، نشستی با سخنرانی آقای دکتر محمدعلی اکبری، استاد دانشگاه شهید بهشتی در روز

۱۲۹۹ مینا قرار دهیم، تنها تا خرداد ۱۳۰۰ دولتی وجود داشت که در عرض سه ماه سقوط کرد

و گفتند: «در دوران کودتا و دولت کودتا هم تحولات شگرفی رخ نداد، اگرچه مثل هر کودتایی، پاره‌ای به گیر و ببندها داشت، اما خشونت بسیار اندک بود و تنها حدود سه تن کشته و ده تن هم زخمی شدند که آن نیز با کلانتری‌ها ارتباط داشت.»

سپس، باتوجه به دو نکته‌ای که به عنوان مقدمه گفتند، پرسش اساسی خود را مبنی بر اینکه چرا باوجود این تحولات اندک و یا کشتارهای کم، کودتای ۱۲۹۹، به این اندازه مهم تلقی شده و آثار متعددی درباره آن نوشته شده و محل مناقشات تاریخی و سیاسی فراوانی قرار گرفته است؟

دکتر اکبری، افزودند: «در کودتایی که عمر بسیار کوتاهی دارد، خون‌ریزی‌های گسترده در آن اتفاق نمی‌افتد، همچنین تغییرات بسیار جدی در دوران کودتا به وجود نمی‌آید، پس از آن هم دولتی بر سرکار می‌آید که مجلس چهارم را تشکیل می‌دهد و گویی روال سابق در جای خود حاکم است؛ پس چه چیزی در کودتا وجود دارد که تا این اندازه آن را متمایز کرده و در کانون توجه و بحث سیاسی قرار داده است؟»

اینطور به نظر می‌آید که کودتا، سرآغاز دوران جدیدی در تاریخ ایران قلمداد شده که از مدخل آن عنصر قدرتمندی به نام رضاخان وارد عرصه قدرت سیاسی در ایران شده است و چون این فرد به این واسطه کودتا پا به قدرت گذاشت، ابتدا به عنوان رئیس قزاق، سردار سپه، عنوان وزیر جنگ مدارج را طی کرد تا اینکه در ۱۳۰۴ به حیات سلسله قاجار خاتمه

بخشید و حکومت جدیدی را تاسیس کرد، به نظر می‌رسد که خود کودتا آن نیست که محل اهمیت است، بلکه به دلیل یک موقعیت بزنگاهی در تاریخ معاصر ایران قلمداد شده، گویی یک چرخش بزرگی در تاریخ معاصر ایران صورت گرفته است. در آن چرخش فردی قدرت را به دست می‌گیرد و در جریان به دست‌گیری قدرت و پس از نشست بر تخت سلطنت آنچنان تغییرات بنیادینی را ایجاد می‌کند که می‌توان از این زمان به بعد را عصر جدیدی را در تاریخ معاصر ایران قلمداد کرد.

همچنین، ایشان منظور خود را به پیامد کودتا، یعنی فراهم شدن دریچه‌ای برای ورود یک عنصر تأثیرگذار و در نهایت تحولاتی که منجر به تأسیس حکومت پهلوی شد، معطوف کردند.

دکتر اکبری با طرح پرسشی مبنی بر اینکه در گذار دگرگونی‌ها، چه چیزی در زیر پوسته قدرت جریان داشت که اهمیت آن را بیش از قدرت سیاسی برای ما مطرح و متوجه خود می‌کند؟ بحث خود را ادامه دادند و گفتند: «نکته اول این است که این کودتا را برخلاف کودتاهای قبل، یک وجه بارز دارد که معماران آن نه تنها عناصر داخلی ساختار قدرت بودند، بلکه معمار اصلی آن، دولت بریتانیای کبیر بود که برای حل و فصل مسائل منطقه‌ای و تحکیم منافع خود در منطقه (در پایان جنگ)، انگلیسی‌ها قیومیت بخش‌های مهم خاورمیانه را به دست گرفتند و همینطور هندوستان را در منطقه در دست داشتند.

با انقلاب بولشویکی و تحولاتی که در پی داشت، چشمی هم به جمهوری‌های تازه تأسیسی که در حاشیه دریای خزر

فرمان می‌بردند، به علاوه، در کودتای دوم، این موضوع صحت دارد که فشار روس‌ها دلیلی شد تا ناصرالملک نائب‌السلطنه، مجلس دوم را تعطیل کند و به نوعی بساط مشروطیت را جمع کند اما به طور کلی، همه این موارد از نیرویی داخلی که دست به چنین کار زدند، برخاسته بود.

دکتر اکبری ادامه دادند: «آنچه که در نهایت از دل تحولات عصر مشروطیت بر تخت قدرت نشست و اساس مشروطیت را به تعطیلی کشاند، سلطنت مطلقه پهلوی بود.»

ایشان افزودند: «به نظرم، حداکثر تأثیر کودتا برای به روی کار آمدن پهلوی، این بود که عنصری جدید را (رضاخان) وارد چرخه‌ای قدرت نظامی کرد. نمی‌خواهم پیامدها را نادیده بگیرم بلکه بر این باورم که پیامدی که از ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ و پس از آن اتفاق افتاده، نمی‌توان تنها آن را با تکیه بر عنصر کودتا، تبیین کرد.»

کودتای ۱۲۹۹ پدیده‌ای داخلی نبود، بلکه برنامه‌ای طراحی شده از سوی سفارت انگلستان در ایران بود تا مسائلی که در آن مقطع با آن مواجه بودند، حل و فصل کنند.»

به نظر ایشان اتفاق کودتا در پیامدهاست نه در خود رخداد. کودتا فضایی را برای بیان این پرسش خلق کرد که آیا واقعا مشروطیت بعد از گذشت تجربه قابل ملاحظه‌ای از ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۹ راه حل مناسبی برای خروج ایران از وضعیت نابه‌سامان ایران داشته است یا خیر؟ آیا دولتی که ما با مشروطه در پی تأسیس آن بودیم و آن را برقرار کردیم، در تجربه عملی خود، کارنامه موفق‌تری از خود برجای گذاشته است یا نه؟

با ضعف قاجارها و دخالت عواملی بر این ضعف افزوده

حضور داشتند افتاد. بنابراین، ایران نیز موقعیتی ژئوپولوتیک و ژئواستراتژیکی داشت، کودتایی (به استناد مدارکی که وجود دارد و شهادت اسنادی که مربوط به خود دولت انگلستان است). کاملا طراحی و برنامه‌ریزی شده بود که توسط انگلیسی‌ها صورت گرفت و کارگزاران داخلی، در حقیقت بخشی از بازی بزرگ شطرنجی بودند که آنها راه انداختند و اگر این پدیده در نوع خود بی‌نظیر نباشد، در تاریخ معاصر ایران کم‌نظیر است که نیرویی سیاسی به اتکای قدرت استعماری خارجی و در پناه حمایت کامل او دولت موجود را ساقط کرد و شاه را تحت فشار قرار داد، این یک نکته بسیار مهمی است.»

با این بحث‌ها، از بی‌جهت نبودن عنوان کابینه سیاه که در ادبیات سیاسی ایران به دولت سیدضیال‌الدین طباطبایی منسوب شده، یاد کردند و گفتند: «به این دلیل که، به طور رسمی تحت حمایت و دخالت مستقیم دولت انگلستان و حمایت لوجستیک آن قرار داشتند و آن هم که به صورت ویژه‌ای مدنظر سفارت انگلستان و وزارت جنگ انگلستان و فرمانده منطقه آنها یعنی ژنرال آبرون‌ساید بود. این مسئله هم موضوعی است که اهمیت کودتا را بیش از گذشته آشکار و آن را در مرکز توجه قرار می‌دهد.»

همچنین ایشان تأکید کردند که دو کودتای قبلی در ایران از فرماندهان و مهره‌های سیاسی درون ایران بودند که تحولات را شکل دادند و در این مورد می‌توان به محمدعلی شاه اشاره کرد. او با وجود این که به کمک قزاقان و روس‌ها مجلس را بمباران کرد ولی باید توجه داشت که افراد مزبور، از کارمندان رسمی دولت ایران بودند که از جانب شخص اول مملکت،

که راه حل ایران دست برداشتن از پروژه مشروطیت و تأسیس دولتی قوی و مقتدری بود که بتواند این زلف پریشان را به شانه درآورد و کشور را از آستانه متلاشی شدن، نجات دهد. اما آیا این محصول مشروطیت در ایران بود؟ خیر.

باید توجه کنیم، مشروطه در زمانه‌ای پدید آمد که دو سه مشکل جدی در مقابلش قرار داشت که عواملی چون وقوع جنگ جهانی اول و کشیده شدن جنگ به ایران، به طور ناخواسته، نهال نوپای مشروطه ایران را در شرایط دشواری قرار می‌داد. مداخله خارجی نیز روز به روز افزایش پیدا می‌کرد و انگلیسی‌ها تنها به خاطر هند نبود که تحولات ایران را دنبال می‌کردند، بلکه کشف نفت در جنوب ایران بود، چراکه نیازی که ماشین جنگی آنها به این منابع انرژی داشت. این نکته را نباید فراموش کرد که مشروطه درحالی که نهاد دولت در ایران به شدت ضعیف و جامعه هم فاقد سازمان‌یافتگی بود، به وقوع پیوست.

ایشان به این مورد هم اشاره کردند که مشروطه‌خواهان و طرفداران مشروطه نتوانستند مسئله نمایندگی را به عمق جامعه بکشانند و خواستار تأمل بر این مسئله گشتند. دکتر اکبری همچنین، از ایده‌ای که در این دوران شکل گرفته بود یعنی ایده تجدید یاد کردند و گفتند: «نظام مشروطیت و مجلس راهگشا نبود و ایده‌ای جایگزین در فاصله ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ تحت عنوان تجدید نام گذاری شد. تجدید عبارت بود از: آموزش، پیشرفت اقتصادی و ارتش قدرتمند که ثبات در کشور و دفاع از تمامیت ارضی ایران را به همراه دولت مرکزی قدرتمند غیرمشروط پدید آورد. علی‌اکبر خان داوود در روزنامه «مرد امروز» نوشته بود: «طبع ایرانی‌ها به استبدادها عادت کرده، ما باید استبداد را نگه

بود، مسئله اصلی انقلاب مشروطه چنین شکل یافت که می‌بایست، دولتی سر کار بیاید تا بتواند از مرزها و تمامیت ارضی ایران دفاع، و عدالت، امنیت و ثبات را اجرا کند و آن هم دولتی انتخابی بود که از طریق مجلسی مردمی انتخاب شده باشند. این ایده هم از خود دولت نشأت می‌گرفت که آن را هم توانا و مقتدر و مشروعیت می‌بخشید.

همچنین در سه سالی که مجلس تعطیل بود، ناتوانی دولت در اداره کشور به دلیل ضعف‌هایش یعنی از فاصله مجلس دوم تا کودتا، شاهد شبحی از دولت هستیم که چیزی از واقعیت بیرونی دولت به جای نماند.

پس، با ضعف دولت مرکزی در بخش‌هایی از کشور شاهد شورش‌هایی از جمله میرزا کوچک خان جنگلی که در اعتراض به شرایط سیاسی بعد از قرار داد ۱۹۱۹ حتی در آذربایجان نیز گروهی از دموکرات‌ها به رهبری شیخ محمد خیابانی آزادی‌استان راه انداختند و به خصوص بعد از قرارداد ۱۹۱۹ حساب خودشان را جدا کردند. در نهایت با بر شمردن این اوضاع، تعطیلی مجلس و مهاجرت نمایندگان به قم و... از طرح برگشت به دوران شاه شهید (ناصرالدین شاه) سخن گفتند که بسیاری در آن دوران این مسئله را مطرح کردند که: «ای کاش که می‌شود برگشت به دوره شاه شهید که منظور (ناصرالدین شاه) است، ای کاش می‌شود برگشت به زمانی که هنوز مظفرالدین قبل از مشروطه سر کار بود، با همه ناتوانی‌هایی که حکومت داشت. چون یک نظم و یک ثبات سیاسی نیم‌بندی و توازانی وجود داشت.»

در چنین فضایی بود که کودتا مثل صاعقه‌ای به این سرزمین وحشت‌زده پر از ظلمت و آشوب فرود آمد. بانگ کودتا این بود

داستان را طراحی کردند اما به این معنی نیست که همه عواملی که در آن داستان بودند به خصوص پایین‌دستان با نیت دولت انگلیس همراه شدند. پاره‌ای از سیاسیون و نیروهای جوان در آغاز کودتا دل بستند، اما به سرعت داستان را فهمیدند که چه اتفاقی افتاده است.

نکته سوم این بود که تأکید داشتند، کودتا پیامدهایی دارد که آن را به موضوع بااهمیت تبدیل می‌کند، حتی با این حرف هم رای نبودند که کودتا منشأ همه تحولاتی بود که منجر به روی کار آمدن رضا شاه شد. ایشان سهم کودتا را یکی از فاکتورها دانستند و باور داشتند، اتفاقاتی که پیش از این تاریخ رخ داد به مدد آمدند تا بتوانند دریچه‌ای که کودتا باز کرد را به سمت و سویی ببرند، اما اگر آن عوامل نبودند نفس خود کودتا نمی‌توانست منشأ این اثرها باشد.

ایشان در ادامه، از پیامدهای ناخواسته کودتا سخن به میان آوردند و گفتند: « دولتی می‌تواند ایران را نجات دهد، دولتی است که باید اقتدر مرکزی و توان‌نوسازی‌های مختلف را داشته باشد.

اما مجلس، نهاد مدنی، سیاسی و... نه تنها می‌بایست از پروژه دولت‌سازی کنار گذاشته شوند بلکه باید اینها به عنوان جریانی مانع با آنها برخورد شود و به حد ممکن یا از بین روند یا از کارایی بیافتند. اینها را همان چیزهایی خواندند که باید نام آن را لویاتان گذاشت و لویاتان در این تعبیر همان عناصر اسطوره‌ای بین‌النهرینی است و عبارت است از ازدهای هفت سری که نه تنها خیر نمی‌آفریند بلکه در نهایت و غایت و بنیاد خود نابودی و اضمحلال را هم پدید خواهد آورد.»

داریم و مجلس، رسانه‌ها و... مخمل هستند. ما باید استبداد را در جهت مناسبی که آنها هم آرمان مشروطه هستند، ایجاد کنیم.» ایشان معتقد بودند آن چیزی که کودتا را تبدیل به امر کانونی یک‌صدساله اخیر کرده، این است که کودتا یک نشانه و نقطه بزرنگاهی برای صورت‌بندی و پیامدهایی که از خود آن مهم‌تر هستند، بود.

از ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ روندی طی می‌شود که تمام آنچه که دستاورد مشروطه در ایران است، یکی پس از دیگری تعطیل یا تبدیل به ابزار بی‌خاصیت مبدل شد.

دکتر اکبری در بخش پایانی سخنرانی خود از ظهور لویاتان ایرانی گفت و پیشینه آن را مورد بحث قرار داد. در آغاز از مسئله مطرح شده توسط هابز تحت عنوان اندیشه سیاسی هابزی یاد کرد: « در جامعه‌ای که انسان‌ها اختلاف منابع دارند، این اختلافاتی که شکل گرفتند اگر نهادی بالادست نباشد که این گرگ‌ها را به سر خود بنشانند، جنگ گرگ‌ها با هم موجب اضمحلال اجتماعی و از هم پاشیدن نظم اجتماعی خواهد شد و نیاز به وجود دولت قوی است که بر اساس توافقی، امنیت و ثبات ایجاد کند؛ بدون محدودیت اوضاع را به دست گیرد.»

در نهایت امر، جناب دکتر اکبری برای جمع‌بندی سخنان خود، سه نکته‌ای که در طول بحث مورد بررسی قرار داده بودند، بار دیگر تأکید کردند و ایشان دلیل اهمیت کودتا را در آن سه ماهی که دولت کودتا سر کار است اتفاق مهمی رخ نمی‌داد، دانستند و دوم این که کودتا اساساً پدیده‌ای برای حل و فصل مسائلی که ایران با آن مواجه بود، نبوده است و تمام اسناد و شواهدی که باقی است، نشان می‌دهد که انگلیسی‌ها برای مسائل خود، این

## سخنرانی دکتر قباد منصوربخت در نشست مجازی روش تحقیق جاری در پژوهش‌های جاری

دانشکده ادبیات برگزار شد. در این نشست با موضوع سخنرانی «روش تحقیق جاری در پژوهش‌های تاریخی (تعاملاتی در ماهیت روش توصیفی تحلیلی)» جناب دکتر قباد منصوربخت به سخنرانی پرداختند.

دکتر منصوربخت، مهم‌ترین بخش یک رساله یا تحقیق را بخش مقدماتی و آن را به عنوان پایه تحقیق دانستند. ایشان این جلسه را شبیه به بحثی کالبدشکافانه دانستند که در طی آن قرار است پژوهش تاریخی و روش تحقیقی در پژوهش تاریخیه صورت جزیی مورد بررسی قرار گیرد.

ایشان برای بحث خود، پرسشی اساسی مطرح کردند که پژوهش‌های تاریخی در ایران به چه روشی انجام می‌شود؟ روش تحقیق، روش حل مسئله است، به عنوان مثال در ریاضیات برای رسیدن به جواب، مجموعه‌ای از مراحل را طی می‌کنیم. پس، روش‌هایی که شما استفاده کرده‌اید، روش تحقیق برای حل یک مسئله بوده است، به طور کلی، تحقیق به این منظور انجام می‌شود تا مسئله‌ای را حل کند.

ایشان عنوان کردند که در پاسخ به این سوال که آیا روش، امری تکنیکی و فنی است و با آموزش تکنیک‌ها و فزونی، می‌توانیم برخی از مسائل را حل کنیم؟ و به تبع آن، سوال دیگری پیش می‌آید که آیا روش، امری خنثی است؟ ایشان در پاسخ گفتند: «خیر، روش تحقیق امری خنثی نیست»

گزارش:  
مینا اوتادی



هشتمین  
مناسبت، هفته پژوهش  
۱۳۹۹

معاونت پژوهشی و گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی با همکاری انجمن علمی دانشجویان تاریخ به مناسبت هفته پژوهش برگزار می‌کنند:

روش تحقیق جاری در پژوهش‌های تاریخی  
تلاقی درایت روش توصیفی تحلیلی  
دکتر قباد منصوربخت

(۱۹:۳۰، ساعت: ۱۳۹۹، ۱۲۹) :  
لینک ثبت‌نام: <https://www.sbu.ac.ir/webinar>  
SBU\_HISTORY

این نشست در سومین هفته از سخنرانی‌های هفته پژوهش، به همت گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی و معاونت پژوهشی





همه علوم‌های کوشند تا تطابق علم خود را با واقعیت اثبات کنند، در این روش توصیفی-تحلیلی، عدم انطباق با واقعیت بسیار مشاهده می‌شود و همچنین در این گونه تحلیل‌ها، معیاری برای این که با آن بتوانیم محصول کار و نوشته‌های خود را بررسی کنیم، وجود ندارد.»

آنچه که در روش توصیفی-تحلیلی ارائه می‌شود، مبتنی بر عقل سلیم است، عقل سلیم نیز بر پایه تجربه انفعالی کار می‌کند و در جریان تحلیل، فاقد نظریه بنیادین است، پس پژوهشی به وجود می‌آید که در آن میان نظریه و نتیجه پژوهش، رابطه‌ای برقرار نشده است.

در علم، دو قلمرو تحلیلی وجود دارد که یکی از آنها کلان و دیگری جزئی است. این سیری است از جزئیات به کلیات و مجدداً از کلیات به مصادیق جزئی. در نهایت علم و تحلیل موردی یا تحلیل کلی باید همدیگر را تأیید کنند و آنچه که این پژوهش حاصل می‌شود: قانون، قاعده‌ای علمی است که با آن انسان می‌تواند مسائل عملی را حل کند.

هم‌زمان با شکل‌گیری علوم جدید، علوم انسانی گسترش

و هر علمی سه پایه اساسی دارد:

۱. بینش ۲. روش ۳. دانش

روش بر این مبنا ناظر به مسئله و حل آن است و راه‌حل مسئله را ارائه می‌دهد، پس علم حاصله نیز از یک پارادایم به وجود می‌آید. پارادایم، الگویی نظری و عملی در علم به حساب می‌آید، به این معنی که مجموعه‌ای از دریافت‌های انسان از موضوع دارد و روش و الگوهایی که برای شناخت آن طرح می‌کند، همان پارادایم است.

در علم تاریخ، روش تحقیق چگونه است؟

دکتر منصوربخت عنوان کردند که در سایر علوم انسانی، چارچوب‌هایی نظری در باب روش تعیین شده است پس نظریه و پس از آن نیز روش مطرح می‌شود. اما در علم تاریخ می‌بینید که موضوع روش تحقیق و در رساله‌ها، روش توصیفی-تحلیلی است.

در تاریخ دو گونه تاریخ‌نگاری داریم، یکی توصیفی یا نقلی است که وقایع را بیان می‌کند و دوم روش تحلیلی است. در سوال به این پرسش که روش تحلیلی چگونه روشی است؟ همواره دانشجویان نتوانستند پاسخ دهند. به عبارت دیگر، در پژوهش‌های تاریخی کسی که ادعا می‌کند به روش توصیفی-تحلیلی عمل کرده، صرفاً به بیان یک ادعا پرداخته است؟

ایشان افزودند: «ما مفهومی محصل درباره روش توصیفی-تحلیلی نداریم، نمی‌توانیم متوجه شویم که روش تحلیلی و مبنای آن چیست و ابزار آن کدام هستند؟ عناصر سازگار آن کدام است و اگر سخت‌گیری را کنار بگذاریم، می‌توانیم بگوییم روش تحلیلی آن روشی مبتنی بر عقل سلیم است.»

مشخص است ولی مفهوم تحلیل مشخص نیست، مسئله این است که هنوز معنای موثقی از تحلیل وجود ندارد و در نهایت به نتیجه جزئی ختم می‌شود که ناظر بر گذشته و قادر به برقراری نسبتی با امروز نیست و نمی‌تواند به مسائل امروز ما پاسخ دهد.

ایشان افزودند: متأسفانه در غالب کارهای تاریخی، آنچه امروز در فضای تاریخی وجود دارد این است که شما نهایتاً به این برسید که این واقعه در کجا شروع شده و کجا تمام شده است، روش تحقیق به معنای شناخت منابع و فیش‌برداری نیست، اینها به معنای فنون و تکنیک‌های جمع‌آوری و استخراج اطلاعات هستند که در هر علمی، ابتدا باید اطلاعات موجود را استخراج کنید و در مرحله بعد به تحلیل و تبیین پردازید یعنی باید بتوانید بگویید که بین پدیده الف، ب و ج چه رابطه‌ای وجود دارد؟ چه اثرگذاری دارند؟ حاصل این چه خواهد شد؟ ایشان معتقدند که روش تحقیق در دوره‌های مختلف متفاوت نیست و همان روشی که برای تحقیق در دوران معاصر به کار می‌رود را می‌توان برای تحقیق در صدر اسلام نیز به کار برد، اما تکنیک‌هایی همچون سکه‌شناسی و ... روش تحقیق نیستند، بلکه به ما آموزش می‌دهند که چگونه اطلاعات را استخراج، ابهام‌زدایی و شناسایی کنیم، اما روش تحقیق این است که شما بتوانید نسبت بین عوامل سازنده حادثه‌ای را از لحظه تکوین تا مرحله ظهور و تولد توضیح دهید.



یافت و رنسانس اساساً ماهیتی فلسفی-تاریخی دارد، یعنی تفکر فلسفی جدید در حال شکل‌گیری است که این تفکر فلسفیه آغاز و صدور تاریخ اروپا که آنجا عقلانیت ظهور کرده و شناخت عقلانی را تشکیل می‌دهد، ارجاعی تاریخی دارد.

با شکل‌گیری علوم بنابر هژمونی پوزیتیویسم به طرح پرسش از رفتار انسان مثل عوامل سازنده رفتار انسانی چیست؟ آغاز می‌کند که در آن تلقی قدیم از تاریخ که دارای نگاهی اخلاقی است و همه چیز براساس فاعلیت مختار انسان در نظر گرفته می‌شود.

دکتر منصور بخت بیان کردند که بر پایه آنچه در اروپا به وجود آمده، در ایران نیز تاریخ‌نگاری جدید و به عنوان تاریخ‌نگاری توصیفی-تحلیلی شکل گرفت، اما زمانی که سوال شود تاریخ‌نگاری تحلیلی چه چیزی است؟ از همان زمان بحران تاریخ‌نگاری جدید ایران آغاز می‌شود، چراکه چیزی که به عنوان تحلیل بیان می‌شود بی‌مناسبت است، یعنی مبنای نظری در تحلیل وجود ندارد و ما نظریه تحلیلی نداریم، نظریه تبیین نداریم. فرض بر این است که مفهوم و روش تحلیل

## سخنرانی دکتر حسن باستانی راد در نشست تخصصی «دیپلماسی فرهنگی، فرصت‌های جهانی، یونسکو»

با مشارکت انجمن ایرانی همکاری یونسکو به مناسبت هفتادوپنجمین سالگرد تأسیس سازمان جهانی یونسکو، نشست مجازی برگزار شد که طی آن دکتر حسن باستانی راد سخنرانی کردند که به شرح زیر است:

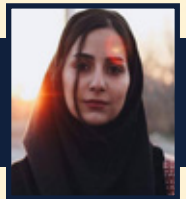
در سازمان یونسکو، برنامه‌های مختلفی طی سال‌ها برگزار می‌شود که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های آن، «جاده ابریشم» است و ایران نیز نقش مهمی در جاده ابریشم داشته است.

آقای دکتر باستانی راد که به عنوان رابط ملی در کمیسیون یونسکو فعال‌اند، به ذکر این موضوع پرداختند که این برنامه از سال ۱۹۸۸ آغاز شده و ادامه دادند: «من در ادامه بحث، به مسائلی در چارچوب گفتگوی فرهنگی و مبادلات می‌پردازم.

جمهوری‌های نوپا هنگامیکه مستقل شدند، فعالیت خود را در این مجموعه آغاز کردند و کمیسیون ملی ایرانیانی که خواهان برقراری روابط با پیشینه تاریخی و فرهنگ مشترک تمدن‌ها بوده‌اند، به این کار پرداختند.»

ایشان در ادامه سخنان خود، از سردمداران این حوزه و خدمات شایان توجه آنها سخن راندند و گفتند: «دکتر عدل برخی آثار ایران را همچون: چغازنبیل و نقش جهان و تخت جمشید را به ثبت جهانی رساند و جناب باستانی پاریزی از نخستین کسانی بوده‌اند که به صورت جدی در ایران، بر روی جاده ابریشم کار کردند و به نگارش «کتاب اژدهای هفت سر»

گزارش:  
هستی حمزه‌ای



با تلاش و همکاری معاونت فرهنگی اجتماعی دانشگاه شیراز، انجمن علمی گردشگری و هتلداری دانشگاه شیراز،

یا «جاده ابریشم» پرداختند از که از منابع مهم پژوهش به شمار می‌آید.»

ایشان با اشاره به کارهای سترگی که در این زمینه انجام شده، سخنان خود را با اهمیت ایران و فرهنگ ایرانی بردند و گفتند: «نمی‌توان از دیپلماسی فرهنگی جهان و یونسکو سخن به میان آورد و اما از نقش ایران غافل ماند. دیر زمانی، ارتباط مجموعه جاده‌های تجاری و فرهنگی که به جاده ابریشم شهرت دارند، با زبان فارسی میسر می‌شد، به این ترتیب، فرهنگ ایرانی و زبان فارسی نقش مهمی ایفا را می‌کردند؛ نقش و اهمیت زبان فارسی در آن زمان، همان نقشی که امروزه، زبان انگلیسی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند را داشت. در گذشته، زبان فارسی همچنین اهمیتی داشت، چراکه برای قرن‌ها، این جاده ابریشم بود که از غرب چین و شبه‌قاره هند تا شرقی‌ترین نقاط اروپا را به یکدیگر متصل می‌ساخت.»

دکتر باستانی‌راد از نقش و اهمیت جاده در انتقال و مبادله فرهنگ و تمدن گفتند: «جاده‌ها، راه‌های مبادله فرهنگ و تمدن بودند، علاوه‌بر تولیدات صنعتی، شهری، کشاورزی و دامی جلوه‌های گوناگون فرهنگ و هنر در کنار این عوامل مبادله می‌شد. اشیایی که اقوام گوناگون در کنار جاده‌ها می‌ساختند با الگوهای فرهنگی به سرزمین‌های دورارسال می‌شدند، صنایع دستی و پارچه‌های قیمتی، همچون دیبا و زربفت و دیگر صنایع نساجی، سنگ‌های قیمتی، شیشه‌های رنگین، پارچه‌های ظریف شاهانه، ظرف‌های گرانبها، آبگینه‌ها، دستاوردهای هنری مثل نقاشی، مینیاتور، هنرهای چوبی، فلزکاری، قلم‌زنی، همه اسلوب‌های معماری و ... در جاده‌ها جابه‌جا و نقشی

در تعاملات فرهنگی ایفا می‌کردند. نکته مهم این است که در بررسی کالاها و خدمات مسیر جاده ابریشم، ایران مهم‌ترین سهم را داشت، چراکه ایران، از شرقی‌ترین نقاط دنیای قدیم تا غربی‌ترین این نقاط را به هم وصل می‌کرد، بنابراین، در این مبادلات فرهنگی جایگاه ویژه‌ای داشت.

در این جاده‌ها، مردم شیوه‌ها و اصول زندگی خود را به یکدیگر عرضه می‌کردند و همه اقوام ساکن در آن نیز برای غنای فرهنگی، اجتماعی، معیشتی و سیاسی خود و دیگران می‌کوشیدند. ایشان در ادامه، اشاره‌ای به اهمیت این جاده‌ها در جلوه‌های مختلفی از علم و هنر تا جنگ و کشورگشایی و مهاجرت‌های دسته‌جمعی داشتند و در این رابطه، از قول مرحوم باستانی‌پاریزی نقل کردند: «جاده هنر، جاده علم، جاده گفتگو، جاده توسعه تمدن‌ها، جاده عرفان، تصوف و زیارت. ایشان افزودند: «وقتی از جاده ابریشم سخن به میان می‌آید، همه این موارد مذکور را دربرمی‌گیرد و همه اینها مجموعه‌ای از رسالت اصلی سازمان یونسکو را که فرهنگ، اندیشه، آموزش و تفکر استرا بیان می‌کنند.»

در ادامه، ایشان پس از ذکر اهمیت جاده به شباهت سازمان یونسکو و جاده ابریشم در این انتقالات اشاره کردند و گفتند: «هنگامی که از نقش سازمان یونسکو در جاده ابریشم سخن می‌گوییم، سازمان یونسکو کاملاً همان کارکردی که جاده ابریشم در گذشته داشته را در قرن بیستم و بیست یکم میلادی، ایفا می‌کند. جاده ابریشم، روح را در فرهنگ و تمدن مردمان کنار خود دمیده بود که در حال حاضر، سازمان یونسکو نیز باید چنین بکند.»

خاستگاه‌هایی است که برای جاده ابریشم اهمیت بیه سزایی دارد. این مسجد از نخستین مساجد اسلامی است به این معنی که اگر اسلام در اوایل قرن دوم هجری در آسیای مرکزی و شرق ایران گسترش پیدا کرده باشد، در همین زمان نیز نخستین سنگ‌بنای این مسجد در چین با فاصله چندین هزار کیلومتری از مرز ایران گذاشته شده است. نکته مهم و جالب این است که همین امروز در شهر شین نام نمازها را به نام پارسی آن ادا می‌شود. من به این منظور از این مثالها استفاده کردم تا بدانید اسلام صرفاً توسط عرفا، متصوفه، تجار و پشت شتر کاروانیان به آن نقطه دور رفته است و این نقش پررنگ جاده را نشان می‌دهد، این نقطه‌ای است که می‌بایست به رسالت این جاده مهم پی برد.

سازمان یونسکو با جدیت تمام، جاده ابریشم را دنبال می‌کند و معترف است که مجموعه این جاده‌ها می‌توانند همین نقش مهمی که سازمان یونسکو در برقراری و مبادلات علمی و فرهنگی و تبادل افکار ایفا می‌کرده را بار دیگر به خوب ایفا کند

طی سی سال گذشته، جاده ابریشم موضوعی برای گفتگوی فرهنگی و برقراری دیپلماسی فرهنگی بوده که باعث توجه سازمان یونسکو به آن شده است.

درواقع، تاروپود ابریشمی را همین جاده‌ها بهم می‌تیدند و می‌بینیم، بسیاری از اقوام در همین جاده‌ها در شکوفایی تمدن جهانی نقش داشته، حال برخی سرزمین‌ها مانند ایران نقش بیشتری داشته که پل بین فرهنگی تلقی می‌شود. البته برخی از کشورها به هر نحوی می‌کوشند تا خود را آغازکننده این جاده‌ها معرفی کنند.

جالب توجه است که در هجده میلیون کیلومتر از جاده‌های اصلی و فرعی که به عنوان جاده ابریشم شناخته می‌شوند، هیچ کشوری آغازکننده و یا آخرین نبوده، چراکه برای صدور کالاهای گوناگون، کشورهای مختلف همکاری داشته‌اند، بنابراین در تعریف فرهنگی از جاده‌های ابریشم، هیچ کشوری بر دیگری برتری ندارد، همانطور که در کارکرد فرهنگی سازمان یونسکو نیز هیچ کشوری بر دیگری برتری ندارد.»

دکتر باستانی با اشاره به دلیل ساخت کاروانسرا توسط ایرانیان در این مسیرها گفتند: «ما صدها نه بلکه هزاران کاروانسرا، آب‌انبار، پل برای جاده‌ها ساختیم و آیا همه این موارد را صرفاً برای خود احداث کردیم؟ خیر، بسیاری از این کاروانسراها تنها به منظور برقراری مبادلات جهانی میان شرق و غرب ساخته می‌شد، یعنی زمانی که کالایی از چین به رم یا برعکس می‌رفت، در طی مسیر از ایران می‌گذشت، پس به همین منظور ما ایرانیان باید کاروانسرا می‌ساختیم. به همین دلیل است که می‌گوییم کاروانسرا میراثی ایرانی است.»

ایشان از تأثیر جاده ابریشم بر گسترش اسلام سخن به میان آوردند که به این شرح است: «در چین، در شهر شین، مسجدی وجود دارد که گفته می‌شود، این شهر یکی از

## سخنرانی دکتر زهیر صیامیان گرجی در نشست مجازی تاریخ اکثريت

با همکاری انجمن علمی تاریخ، نشست تحت عنوان «تاریخ اکثريت» با سخنرانی دکتر زهیر صیامیان برگزار کردند.

دکتر صیامیان ابتدا به مفاهیم مطرح شده در حوزه تاریخ‌نگاری و به تمایز دانش‌ها در سطوح موضوعی، مبانی روش‌شناسی، هدف و فایده آنها اشاره و با اشاره به چشم‌انداز میان‌رشته‌ای در مطالعات تاریخی و مفهوم تلفیق، مفاهیم تاریخ‌نگاری را برای چشم‌انداز درون‌رشته‌ای و مرزبندی شده، محور اصلی بحث خود قرار دادند.

ایشان در ادامه گفتند در چشم‌انداز تلفیقی برای بازتعریف کار مورخ مدرن و هدف از تاریخ‌نگاری در دوران جدید، مسئله اصلی ایناست که کدام مفاهیم را بکار بگیریم تا تاریخ‌نگاری متفاوتی از گذشته ارائه کنیم؟ چرا که تاریخ‌نگاری در نسبت با اکنون تعریف می‌شود و مورخ از افق معاصر خود، به بازشناسی گذشته می‌پردازد، روندی که در تاریخ‌نگاری مدرن برای رسیدن به نوعی خودآگاهی از ماهیت انسان و چگونگی تغییر زندگی انسان در طول زمان و هم‌منظور شناخت امکان‌ها و قابلیت‌ها و تجربه‌های انسان‌های مختلف در زمان‌ها و مکان‌های مختلف بوده است تا با شناخت تفاوت و شباهت تاریخ امروز با تاریخ گذشته، انسان معاصر بتواند با معرفت به آنچه که هویت فردی و اجتماعی اش را می‌سازد، آنرا تغییر دهد. به خصوص که امروزه در مبانی علم تاریخ پذیرفته شده است که مسئله

گزارش:  
مریم رشیدی آلاشتی



معاونت پژوهشی و گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی با همکاری انجمن علمی دانشجویان تاریخ به مناسبت هفته پژوهش برگزار می‌کنند:

به مناسبت هفته پژوهش  
۱۳۹۹

تاریخ اکثريت

دکتر زهیر صیامیان

۱۳۹۹، ساعت: ۱۸:۰۰ (۲۵ آذر ۱۳۹۹)

لینک‌ی ورود به نشست : <https://www.sbu.ac.ir/webinar>

SBU\_HISTORY

به مناسبت هفته پژوهش، مورخ ۹۹/۰۹/۲۵ معاونت پژوهشی و گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی

قرن بیستم، از طرفی تاریخ رویداد محور و روایی است و از طرفی تاریخ مسئله محور و تبیینی قرار دارد. در یک طرف تاریخ قدرت، شخصیت‌ها و افراد و نخبگان و در طرف دیگر تاریخ نهادها، ساختارها، جامعه و تاریخ توده.

دکتر صیامیان در ادامه اشاره کرد که در قرن بیستم چگونه فلسفه علم مارکسیستی با طرح علم و ایدئولوژی و بحث آگاهی کاذب، روند تاریخ نگاری مدرن را تحت تاثیر قرار داد و تاریخ نگاری نظریه محور را پرورده کرد و وظیفه تاریخ نگار را تدوین دانشی انتقادی تعریف کرد که بر اساس آن توده‌های تحت ستم با کسب آگاهی از دانشی که نابرابری را برای آنها طبیعی ساخته استاز سلطه‌ای که بر آنها وارد شده خارج شوند و ایدئولوژی‌رهای بی‌بخش برای تغییر شرایط مادی خود ایجاد کنند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد دوگانه تاریخ از بالا و تاریخ از پایین تحت تاثیر این چشم انداز مارکسیستی البته از نوع قرن بیستمی اش برای تاریخ نگاری و کار مورخ و شناخت گذشته شکل گرفته است. مسئله اصلی این است که صرفاً نمی‌توان در درون این دوگانه‌ها عمل کرد و این مفاهیم نمی‌توانند گذشته را با یکدیگر گشوده تر بنیند و در واقع نوعی محدودیت دیدگاه و نظری و همینطور عملکردی برای مورخان و شناخت گذشته ایجاد می‌کند. به خصوص که اگر توجه داشته باشیم که این مفاهیم و مبانی مورخ است که فریم مورخان را برای انتخاب موضوع مهم و مساله موثر و مدارک مفید برای شناخت گذشته می‌سازد چرا که فرایند تاریخ نگاری همیشه همراه با چشم انداز و زاویه دید به گذشته است بنابراین مفاهیمی که مورخ وام می‌گیرد و مبنایی برای تعریف تاریخ نگاری می‌شود بسیار

و سوال‌های مورخان برآمده از بافتار اجتماعی، فکری، فرهنگی و سیاسی است که در حال تولید دانش است. در واقع، مورخ نمی‌تواند، بدون ارزش‌ها و باورهای خود به گذشته مراجعه کند و تصور بی طرفی و ارایه علم تامه مطابق با واقعیت عینی، امروز دیگر چندان مقبول نیست یا حداقل در رویکردهای برساخت‌گرایی اجتماعی علم وجهی ندارد. بنابراین سوال مطرح می‌شود که مورخ چگونه می‌تواند، با ارزش‌ها و باورهایش و فعالیت علمی که انجام می‌دهد، نسبتی برقرار سازد؟ انتخاب مفاهیم به عنوان مبناهای روش شناختی مورخ به شکلی آگاهانه یکی از این راهکارهای اساسی است. در تاریخ نگاری مدرن مفاهیمی و تعاریفی برای موضوع و روش و هدف تاریخ نگاری از ویکو و ولتر تا رانکه و میشله ارایه شده است و رویکردها و سنت‌های تاریخ نگاری مختلفی تا امروز شکل گرفته است اما مساله همه آنها بسط قلمرو موضوعی مورخان، تنوع بخشی به شواهد تاریخی و نیز رویه‌های تفسیر انتقادی منابع باقی مانده از گذشته، کاربرد انواع الگوهای تبیین و توضیح رخدادها و افراد و نهادها بوده در یک دوره زمانی محدود یا روندهای طولانی تاریخی بوده است هرچند همه آنها را به دو چارچوب یا فریم که بر ذهن و زبان و روایت مورخان مسلط می‌شود می‌توان تعریف کرد. تاریخ نگاری نخبگان یا تاریخ از بالا و یا تاریخ از پایین و تاریخ فردوستان این دو چارچوب هستند که انواع تاریخ نگاری‌های سنت آنال، تاریخ اجتماعی، تاریخ زنان، تاریخ اقلیت‌ها، تاریخ فردوستان، تاریخ فرهنگی، تاریخ اقتصادی و غیره را در نهادهای علمی تاریخ ممکن و متحقق ساخته است. در این چشم انداز مفهومی دوگانه بین مورخان مدرن در



ها، نهادها و رخدادهای متنوع تر و متفاوت تر یا مشابه تری با قلمرو وسیع جامعه کنونی و معاصر مورخ و مخاطبان وی به درون روایت تاریخی راه یابد بسیار مهم است زیرا هدف از تاریخ نگاری مدرن همانطور که گفته شد، خودآگاهی بر رابطه گذشته و امروز برای گذر از امروز و گذشته برای آینده است و امکان تغییر ورنه جامعه امروزی در قیاس با جامعه گذشته تغییری نمی کرد و همان سنت ها و جامعه ادامه پیدا می کرد. همانطور که این تغییرات نتیجه انقلاب های مختلف سیاسی آموزشی علمی صنعتی و فناوری است که باعث شده است جهان قرن بیستم در قیاس با جهان قرن نوزدهم بسیار متفاوت باشد و در قیاس با جهان قرون میانه تغییرات اساسی داشته باشد. پس اگر مفهومی را مورد استفاده قرار دهیم که قلمرو وسیع تری از زمینه و افق اجتماعی اقتصادی فرهنگی سیاسی جهان معاصر مورخ را در برگیرد آنگاه امکان تدوین خودآگاهی عمیق و انتقادی تاریخی از نسبت امروز با گذشته برای گشودن راهی جدید رو به آینده میسر می شود.

دکتر صیامیان در جمع بندی تاکید کردند بر این اساسی

بسیار مهم است پس این مساله که کدام مفهوم ورای دوگانه تاریخ از بالا که به تاریخ نخبگانی منجر می شود و تاریخ پایین که به تاریخ فردوستان ختم می شود می تواند افق دید مورخ مدرن را گشوده تر سازد.

ایشان در ادامه اذعان داشتند که تاریخ، دانشی بازاندیشانه و زمینه گرایانه و وابسته به افق است. اگر این گونه است پس به عنوان تاریخ نگار در آستانه قرن چهاردهم قلمرو موضوعی و مباحثها و آنچه که در مورد گذشته گفته می شود بایستی با تاریخ نگاری قرن پیشین تغییر کند تا امکان بازاندیشی و تجدیدنظرطلبی در روایت گذشته ممکن شود و تاریخ نگاری های جدید شکل بگیرند و در عمل متحقق شوند. توجه به اینکه تاریخ نگاری ضرورتا بایستی ناداستانی تحلیل کند و دروغ نگوید این امکان را فراهم می کند مفاهیمی دیگری را برگزیند تا از دایره تنگ راست کیشی واقع گرایی عینی و اسطوره بی طرفی بیرون بیاید. مورخ، هر روایتی که از گذشته به دست می آورد روایتی بی طرفانه نخواهد بود و هر روایتی که مورخ به دست دهد از زمینه اجتماعی و تاریخی معاصرش تاثیر می گیرد و در عین حال بر روند اجتماعی فرهنگی معاصرش نیز تاثیر خواهد گذاشت. پس ادراکها و تفسیرها در روایت تاریخ که هر شکلی از رابطه گذشته با اکنون را در قلمرو نهادها، شخصیتها، مکانها و زمانهای مختلف نشان می دهد ضرورتا دلالت های فکری و اجتماعی و حتی سیاسی بر مخاطبان معاصر و آینده تاریخ خواهد داشت بنابراین این مساله که کدام مفاهیم می تواند توسط مورخ بر ذهن و زبان و روایت وی قرار گیرد تا تاریخی گشوده و باز ممکن شود و موضوعات، افراد و گروه ها، مکانها و زمان



تاریخ برابری است بر خلاف دوگانه یاد شده که بر نابرابری تاکید دارد. در مفهوم اکثریت انسانی شبیه مورخ و اطرافیان مورخ است که مبنای انسان شناختی قرار می گیرد تا مورخان با آن به توصیف و تبیین عملکرد کنشگران تاریخی بپردازند. در این چشم انداز تاریخ اکثریت، نابرابری برای اینکه چه موضوعات و مساله هایی «مهم» و «موثر» هستند تغییر می کند و هرآنچه که در تجربه زندگی اکثریت انسانها قرار می گیرد می تواند به روایت تاریخ در بیاید و همه می توانند روایتگر تاریخ باشند چرا که تجربیات متنوع آنها می تواند موضوعیت داشته باشد بدین ترتیب عمومی شدن تاریخ با توجه دادن به عموم مردم عادی و معمولی میسر می شود چون در جامعه مدرن است که همه مردم دارای حق شده اند و شناسه تاریخی به عنوان شهروند پیدا کرده اند پس همانگونه که همگان حق دیده شدن و شنیده شدن و روایت کردن دارند بنابراین مفهومی بایستی برای کار تاریخ نگاری مورد استفاده قرار گیرد که این همگان یا اکثریت را هم بتوان ببیند. بنابراین تاریخ چندگانه به وجود می آید و مرزبندی دیسیپلینی که تاریخ نگاری، صرفاً به طبقه خاصی از دانشوران فرهیخته اختصاص دارد، کم رنگ می شود. تاریخ می تواند به شکل برابر روایت شود. هدف تاریخ نگار مدرن این است که با شناخت نسبت اکنون و گذشته بداند چگونه می تواند زندگی خود را تغییر دهد. به این ترتیب تاریخ اکثریتی می تواند تاریخ برابر و تاریخ برابری است که روایت تاریخ آزادی را ممکن می کند. تاریخ گره خورده بین من و ما.



که گفته شد، تاریخ اکثریت مطرح می شود. در تاریخ نگاه از بالا یا پایین، بخش مهمی از گذشته نادیده گرفته می شود. گویا تاریخیا وابسته به بالادستان است یا فرودستان. اما با کدام مفهوم می توانه تاریخ اکثریت را از دوگانه های موضوعات جهان عینی و جهان ذهنی انسان های گذشته نگاه کرد؟ در واقع، مفهوم دیگری که می تواند مبنای روش شناسی مورخ می توان به کار برد، تجربه است. تجربه به معنایی که در زندگی روزمره همه انسان ها متحقق می شود و ساخت و ساحتی تفکیک شده به حوزه های مادی یا عینی یا حوزه ای معنوی و ذهنی ندارد و درهم تنیده و پیگیده در عمل زندگی انسان هایی است که در زندگی روزمره ما به شکل معمولی و عادی حضور دارند و اکثریت ما را شامل می شوند بنابراین نه جزو نخبگان و خواص هستند و نه فرودست و اقلیت بلکه عادی و معمولی هستند. بنابراین قلمرو موضوعی که مورخان برای شناخت گذشته بر مبنای مفهوم تاریخ اکثریت مدنظر قرار می دهند بسیار بسیط تر از چشم اندازهای است که با تاریخ از بالا یا تاریخ از پایین به موضوع نگاه می کند.

ایشان در یک جمع بندی اشاره کردند که تاریخ اکثریت نوعی

## سخنرانی دکتر زهیر صیامیان گرجی در نشست مجازی رویکرد معرفت‌شناسی مناسب برای آموزش تاریخ

بحث ما جدای از زمینه و کانتکسی که در آن هستیم، نیست. ما داریم در ایران و جهان خاورمیانه‌ای و پدیدار دولت‌هایی که در قرون نوزدهم و بیستم به لحاظ حقوقی هویت پیدا کردند صحبت می‌کنیم و درعین حال داریم از موضع فرهنگ و قله فرهنگ ایران و تاریخ ایران صحبت می‌کنیم. همان‌طور که هگل اشاره می‌کند ایران از معدود تمدن‌ها و فرهنگ‌هایی است که می‌تواند بگوید من تاریخ دارم. این نکته مهمی است. چون به یک معنا دولت خاص خودش را داشته و ایده تمرکز قدرت در نهاد دولت را متحقق کرده و تدوام داشته است.

همه ما می‌دانیم که دولت‌ملت (nation states) پدیداری است که حول محور مفهوم شهروندی و حقوق شهروندی تأکید می‌شود و واحد آن، شهروند و مبنای آن، حقوق شهروندی، قانون یا چیزی است که ما در گذشته به آن مدنیت می‌گفتیم و در آموزش تاریخ به‌نام آموزش مدنی یا مدنیت یا آموزش شهروندی است. در اینجا تاریخ به‌مثابه بخش ثابت آموزش شهروندی معنا پیدا می‌کند و از معدود دانش‌هایی است که از نظام پیش‌دانشگاهی تا نظام دانشگاهی و حتی نظام آموزش ملی آموزش داده می‌شود و اختصاص به یک دوره زمانی یا حوزه تخصصی ندارد، یعنی هرکسی که مهاجرت می‌کند به کشوری دیگر، باید

به همت گروه پژوهشی علوم انسانی پژوهشکده برنامه‌داری و نوآوری‌های آموزشی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، نشست مجازی تحت عنوان ((رویکرد معرفت‌شناسی مناسب برای آموزش تاریخ در راستای اهداف تحولی)) در تاریخ یکشنبه ۲ آذر ۱۳۹۹ با سخنرانی دکترین زهیر صیامیان برگزار شد در ادامه متن سخنرانی ایشان را می‌خوانیم.

دارد و این تعریف، تحول پیدا کرده است. از دوره قدیم که به معنای توان به حافظه‌سپاری یا خواندن بود امروز رسیده به معنای اینکه افرادی که تحت آموزش ملی قرار می‌گیرند چه اطلاعات مفیدی داشته باشند و چقدر قدرت تجزیه و تحلیل داشته باشند؛ یعنی سوادآموزی که می‌گوییم منظورمان این است. برنامه پیش‌دانشگاهی و نظام متوسطه در راستای چنین چیزی برای همه شهروندان واجب تلقی شده است و در واقع هم حقوقشان است و هم تکلیفشان که سواد یاد بگیرند. امروزه سواد در عصر دیجیتال به این تعریف رسیده است: قدرت به‌کارگیری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها در تجربه‌های زندگی روزمره. به یک معنا، سواد به‌مثابه کنشگری فهمیده می‌شود. اگر سواد به‌مثابه افزایش کنشگری شهروندان این جامعه تصور می‌شود، مبنای اصلی آن تفکر انتقادی است. بنابراین، این سؤال پیش می‌آید که کدام نوع آموزش تاریخ باعث ارتقای کنشگری شهروندان جامعه در نظام پیشامدرسه تا پیش‌دانشگاه می‌شود به نحوی که در آگاهی‌های آنان در زندگی روزمره به خصوص در روابط اجتماعی و ادراک‌های فرهنگی آنان از مسایل و موضوعات فردی تا محلی و ملی و جهانی می‌تواند مؤثر واقع شود. به نظر من مسئله اصلی آموزش تاریخ چنین چیزی است و اگر ما می‌خواهیم نسبت بین نظریه‌های تاریخ و مبانی آن، آن‌گونه که مانزلو، کالینگوود یا تمام فیلسوفان علم تاریخ از آن صحبت می‌کنند و فلسفه‌های آموزشی را در نظر بگیریم باید به چنین مسئله اصلی توجه کنیم یعنی نسبت آموزش ملی تاریخ با جامعه و با هویت

ادبیات و تاریخ آن کشور را بشناسد، چون اینها دلالت‌های هویتی دارند.

این بحثی که در سواد تاریخی مطرح می‌شود؛ رابطه‌ای است که بین سطح و کیفیت این به‌یادسپاری گذشته با هویت مدنی شهروندان در امروزشان در هر دوره زمانی متفاوت و زمینه‌های اجتماعی فرهنگی سیاسی متنوع وجود دارد. مساله پویایی و تحول در اجزای روایت گذشته بر اساس نسبت آن با مسایل زندگی شهروندی است که بحث سواد تاریخی است. بنابراین قرار نیست که مثل یک آکادمیسین، همه قلمرو تاریخ را یک شهروند بداند و تمام تاریخ کشورش را مانند یک مورخ حرفه‌ای با تمام خصوصیات دانشورانه دانشگاهی تاریخ حفظ باشد؛ خیر. آنچه که در علم تاریخ هم وجود دارد یعنی انتخاب براساس غربالگری موضوعات و مساله‌ها و منابع و روایت‌های «مهم» بوده است؛ در بحث آموزش ملی این مفهوم مهم بودن در انتخاب موضوع و شکل روایت تاریخی گذشته ارتباط پیدا می‌کند به هویت شهروندی.

مبنایی که ما داریم و با آن درباره نظریه‌های تاریخ صحبت می‌کنیم نسبت آموزش تاریخ و جامعه ما است که باید در نظر داشته باشیم. در آموزش ملی یک مساله دیگری وجود دارد که مفهوم سواد عمومی است و آموزش ملی را باید از چارچوب این مفهوم مدنظر قرار داد که من تا حدی در سواد تاریخی اشاره کردم و اینکه چه چیزهایی را به چه شکلی و در چه سطحی شهروندان باید درباره گذشته یاد بگیرند؛ اما نکته آن اینجاست که خود سواد هم تعریف

شهروندی در عصر دیجیتال.

در جامعه مدرن، وقتی گذشته موضوع شناخت قرار می‌گیرد برای آن است که از آن عبور کند یا به سمت آینده بروند. این آموزش تاریخ با تعلیم و تربیت سنتی که مبتنی بر حفظ و نگهداری سنت‌های میراث رسیده از گذشته بود کاملاً متفاوت است و در واقع درک تجدیدنظرطلبانه از تاریخ است در حالی که تاریخ در دوران پیشامدرن و در سنت‌های فرهنگی مطالعه می‌شد که سنت‌های تاریخی حفظ و نگهداری شود؛ در حالی که در جامعه مدرن متاخر ما گذشته را می‌خوانیم تا در آن تجدیدنظر کنیم زیرا جامعه مدرن رو به آینده است و گذشته را تکرار نمی‌کند و جامعه را به این ترتیب نو و جدید می‌کند پس مواجهه آن با گذشته در علم تاریخ مدرن برای شناخت سازوکارهای تغییر جامعه است بنابراین گذشته را مطالعه می‌کند تا بداند جوامع چگونه تغییر کرده است و چگونه جامعه امروز به عنوان جامعه‌ای که تبدیل به گذشته‌ی جامعه آینده می‌شود چگونه تغییر می‌کند. چرا این اتفاق می‌افتد؟ چون جامعه مدرن خود را اینگونه تعریف می‌کند که جامعه‌ای نوشونده و آینده‌گراست و این یک درک گشوده از تاریخ است و تاریخ به معنای یک امر گشوده و تفسیرپذیر تعریف شده است. بدین ترتیب آگاهی تاریخی برای شهروندان جامعه مدرن مفید است که سازوکار تغییر را نشان دهد و تفاوت امروز با گذشته را بازبانی کند. بنابراین آموزش تاریخ ملی در جامعه مدرن متاخر در عین حال که مبانی شکل‌گیری هویت تاریخی و عناصر تداوم

هویت تاریخی شهروندان کشور را نشان می‌دهد بلکه عناصر تغییر یافته و منطبق تغییر و تحول تاریخی کشور را نیز مدنظر قرار می‌دهد. بدین ترتیب آموزش تاریخ به مثابه یک گفتار علمی، نشان دادن امکان تغییر است حتی اگر این تغییر میراث تاریخی در جامعه کنونی باشد مثلاً از یک تاریخ و جامعه ارتش سالار در یک دوره زمانی به یک جامعه و دولت دموکراتیک در امروز و این نشان دادن تغییر در روایت تاریخی ضرورتاً همراه است با بکارگیری مفاهیم و مولفه‌های سواد تاریخی یعنی ترکیب مفاهیم نظریه‌های تاریخ با مبانی فلسفی نظریه‌های آموزش به نحوی که گشودگی به روی تغییر تاریخ و پذیرش تفاوت در زندگی مدنی میسر شود.

پیشنهاد من به عنوان تجویز این است که در آموزش تاریخ ملی در ایران از مجال استدلال ورزی بین‌الذهانی آموزش تاریخ برای ارتقای زندگی مدنی که بر مبنای همدلی و دیگ‌پذیری و تفاوت‌جویی است استفاده کنیم به جای اینکه یک روایت یک راست و سراسر از گذشته ارائه کنیم. ما در زمینه‌ی امروزین جهان دیجیتال شده و عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات قرار داریم که زمان و مکان را بی‌معنا کرده است در قیاس در دوره پیشین، مراجع معرفتی چندرسانه‌ای شده، شهروندان مدنی مولتی‌مدیا هستند که همه‌شان برخط هستند و سواد شهروندی متمایزی از دوره آموزش مدرسه‌ای کلاسیک دارند، حافظه تاریخی که مجازی شده و روایت تاریخی که مجازی شده (یعنی دانش کاملاً در دسترس قرار گرفته)، روایت‌ها مصرفی و توده‌ای و

بدین ترتیب با بازنمایی حضور و نقش و عملکرد عامه مردمان در ساختن تاریخ این سرزمین و جغرافیایی که ایران نامیده می شود، وحدت تاریخی نیز حول سرزمین ایران با مشارکت مردم ایران ساخته می شود.

وقتی به این شیوه عمل شود در کلاس درس تاریخ، نقش معلم درگیرکردن دانش آموز با کلیشه‌هایی است که در بافتار معاصر مخاطب درباره گذشته هویت فردی تا محلی و ملی اش شکل گرفته و عموماً تبار آن در گذشته سروکار دارد به مثابه یک پروژه حل مسئله، و نقش دانش آموز شریک شدن در شکل دادن و روایت کردن یک گذشته بدیل در مقابل کلیشه‌ها است، مستدل و مستند. ما می‌دانیم که کار تاریخ‌نگار تقریباً همیشه درگیر شدن با سوء تفاهم‌های زبان پریشانه معاصر و فهم ترجمه‌ای منابع و مدارک است بنابراین آموزش تاریخ عملاً به کلاس یادگیری شناخت گذشته به مثابه دیگری‌هایی است که با خود امروزین ما نسبتی دارد هم آشنایند و هم غریبه‌اند و بدین ترتیب مجال گشوده شدن افق ذهنی و تجربه‌های عملی در پذیرش مدارا و تفاوت‌ها و تنوع‌ها هم در زندگی مدنی نیز برای مخاطب ممکن می شود.

آزاد شده و هر شهروندی می‌تواند روایت خودش از تاریخ را بداند و بسازد، گزاره‌های صدق و کذب، مجازی شده است، در این زمینه به چه نوع کیفیتی از دانش و سواد تاریخی نیاز داریم؟ البته این به معنای این نیست که یک حقیقت راستین وجود ندارد یا دسترسی به این حقیقت راستین امکان‌ناپذیر است؛ منظورم چنین چیزی نیست. کار آکادمیک و کار دانش رسمی و آموزش رسمی، بسیار سخت شده است.

به نظر من در آموزش ملی تاریخ ایران به شیوه‌ای که امروز وجود دارد ما باید به جای اینکه تاریخ را از بالا و با محوریت دولت و تاریخ سیاسی و تاریخ نخبگانی رابه عنوان عنصر هویتی مان درس دهیم به سمت تاریخ از پایین حرکت کنیم؛ قلمرو موضوعی‌ای که این تاریخ‌های عینی گرا و از بالا به لحاظ معرفت‌شناسی در موضوع تاریخ می‌دانستند عموماً از دیدگاه نخبگان به گذشته است و روایت تاریخ نیز از موضع فرهنگ والا است و عمدتاً سیاست و جنگ را به شکلی مرکزگرا و هنر و ادبیات فاخر را شامل می شود در حالی که با تغییر نگرش به تاریخ از پایین و تاریخ از بالا به پایین به سمت تاریخ عامه حرکت کنیم یعنی مردم عادی که اکثریت جامعه را شکل می‌دادند یعنی کسان و گروه‌هایی که صرفاً حول قدرت فرادست در تاریخ حضور نداشته‌اند اعم از روستائیان، اصناف، زنان، همین کودکان و نوجوانانی که تحت آموزش‌اند، خانواده، محله و همه این چیزهایی که هویت‌های خرد این جامعه و شهروندان را می‌سازند و از پایین، پیوند آنها با تاریخ از بالا بسته شود

## سخنرانی دکتر زهیر صیامیان گرجی در نشست مجازی دیگری و تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی



گزارش:  
حایه رشیدی

در ادامه این بحث ایشان از دید انتقادی خود، نکته دیگری را به عنوان سیری که این نوع تاریخ‌نگاری داشته است، افزودند و گفتند: «در این بیان‌متعارف، اجزای مختلف تمدن اسلامی به تاریخ گسترش اسلام در دیگر ملل غیرعرب به مثابه گسترش ایمان اسلامی، عقلانیت اسلامی، علم اسلامی، و به طور کلیشکل‌گیری مدنیت‌های اسلامی، در قیاس با دوره عصر پیشانبوی و دوره جاهلیت تصور و تعریف می‌شود. و ما با منحنی‌ای که برای رشد تمدن اسلامی در نظر می‌گیریم، نهادهای مختلفی که نشان از دیوان‌سالاری، معماری، شهرنشینی، هنر، ادبیات، علم، پزشکی و به طور کلی عناصر یک تمدن را در کنار یکدیگر ردیف می‌کنیم تا در واقع، عصر طلایی تمدن اسلامی را به مثابه تمدنی جهانی برداشت کنیم اما بعد از آن برای دوره زوال آن، یک دوره‌بندی در نظر می‌گیریم که دوری از این اصول اولیه پیشران تمدن اسلامی، یعنی ایمان و علم اسلامی است و در همینجا است که در مواجهه با تمدن غربی دچار عقب‌ماندگی و در واقع چیزی شبیه به ظلم و ستم شده و در همین منوال در جازدگی و پس از آن، دوره استعمار را تصویر می‌کنیم و سپس دوره احیا. این منظری است که از چشم‌اندازهای مختلف دانشگاهی ما، مطرح می‌شود و ما با همین چشم‌انداز به موضوع نگاه می‌کنیم.»

جناب دکتر صیامیان، برای اثبات این بحث به یک سری

نشست مجازی با عنوان «دیگری و تاریخ‌نگاری اسلامی» به همت دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه الزهرا و با همکاری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی و انجمن ایرانی تاریخ، در تاریخ ۱۳۹۹/۸/۲۰ با سخنرانی دکتر صیامیان گرجی برگزار شد.

در ابتدا باید از نسبت روایت‌مان از تاریخ تمدن اسلامی به گونه‌ای که در دوران معاصر شرح داده می‌شود، آگاهی داشته باشیم. در واقع، ممکن است از طریق تألیفات و ترجمه‌ها با آن آشنا باشیم و آن را بشناسیم، اما از جهتی نیز به نظر می‌رسد که پارادایم و سرمشقی فکری مستتری در این مطالعات وجود دارد که کم‌توجهی به این مبانی مفروض، به عدم آگاهی ما در روایت و سازوکارهایی که در روایت تاریخ تمدن اسلامی و اجزا آن ارائه می‌کنیم، منجر می‌شود.»

از نظر ایشان، در روایت‌های متعارفی که در تاریخ‌نگاری‌های تمدن اسلامی ارائه می‌دهیم، مفهوم «مدنیت» را محور مباحث قرار داده‌و در این شیوه متعارف، با فرض بر این که تمدن و فرهنگ با یکدیگر متمایزاند، به تعریف تمدن می‌پردازیم و از طرفی فرهنگ را نیز با توجه به ابعاد معنوی و روحی تعریف می‌کنیم.

اروپایی، تمدن اروپایی به مثابه نقطه اوج تمدن‌ها، پویایی و تکامل آنهاست و از آنجایی که اروپایی‌ها، تاریخ جهانی را رقم می‌زنند، متمدن‌اند، اما در نگاهی که به دیگر تمدن‌ها دارند، آن تمدن را ایستا و غیرپویا می‌دانند.

ایشان سخنان خود را این گونه پایان بردند و گفتند: «در تمدن اسلامی ما نمی‌توانیم، تاریخ بی‌تمدنی را ارائه کنیم، چنین چیزی در ذهن ما نمی‌گنجد. در مقابل، تاریخ ایمانی که هسته سخت برای تمدن اسلامی به معنای ایمان در نظر می‌گیرد و حتی با شواهد دیگری که حتی ریشه در قرآن و ادبیات تفسیری و حدیثی دارد که مسلمانان را طیف‌بندی قائل می‌شویم. در این روایت تظہیری که از تمدن اسلامی ارائه می‌کنیم، مادر درون سازوکارهایی فکر می‌کنیم که جهان اروپایی قرن ۱۹ به آن فکر و همان نتایج و پیامدهای آن دوره را در پی دارد، به این معنی که تصور می‌کنیم که اگر بر علم‌گرایی در تمدن اسلامی و مواردی از این قبیل تأکید کنیم به همان پیشرفت می‌رسیم، در نتیجه ما بخشی از تمدن گذشته خود را نمی‌بینیم.

پس، سازوکارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در این جامعه و تاریخ، از گذشته تاکنون وجود دارد این امکانیت و این چشم‌انداز را به امری بدیل در روایت ما مبدل و امکان‌گشایش و سط قلمرو تاریخ را برای ما ممکن می‌سازد.»

منابع اشاره کردند و افزودند که ما این روایت از تاریخ‌نگاری تمدن اسلام را به طور روشن‌تر کتب و آثار تحقیقی مختلف که از قرن نوزدهم در کشورهای اسلامی از قبیل هند، عثمانی، مصر و... منتشر شده‌اند، می‌توانیم ببینیم و مهم‌ترین این آثار در این باب، آثار افرادی چون، گوستاو لوبون، جرجی زیدان و... است. ایشان ادامه دادند: تعریف‌هایی که تا به حال از تمدن اسلامی ارائه شده به قرن ۱۸ و پس از آن باز می‌گردد که با شکل‌گیری عصر روشنگری در اروپا مصادف بود و تمدن اسلامی در ضمن تمدن هندی و چینی، در حال تعریف شدن بود. در چنین تعریفی، تمدن اروپایی، تمدن برتر به حساب می‌آید و ویژگی‌هایی که برای آن در قالب مفهوم مدنیت و یا تمدنی که حقوق مدنی را پایه قرار می‌دهد و از وضعیت طبیعی یا بربریت خارج شده و توانسته نظامی حقوق مدنی در مقابل حقوق نظامی، اشرافیت، کلیسا و نظام موروثی تعریف می‌کند و از این جهت هرگونه تعریفی از تمدن مسلمانان و تمدن اسلامی و دیگر تمدن‌ها با این چشم‌انداز در میان محققان تاریخ اروپا و تاریخ ملت‌های اروپا در نیمه دوم قرن نوزدهم در حال تولید است. در واقع اروپا محور و غرب در مرکز قرار دارد و بقیه همدر حاشیه آن هستند. ما درگیر یک کلان‌روایت هستیم و مفروضات کلان روایت، یعنی دوگانه تمدن و فرهنگ را با تکیه بر آنها می‌پذیریم.

مسئله دیگر ایشان در باب دیگری سازی مبتنی بر دوگانگی ذهنیت است، دوگانه خود و دیگری یعنی با زمان‌زدایی عملا زمینه‌زدایی و تفاوت‌زدایی میان امروز و گذشته خود مورد تأکید قرار داده می‌شود، در تاریخ‌نگاری اسلامی در جهان

## سخنرانی دکتر آرزو رسولی (طالقانی) در نشست مجازی ثنویت از نگاه زرتشت

زرتشت» در ۹۹/۰۹/۲۶ با سخنرانی دکتر آرزو رسولی برگزار کرد. ایشان با اشاره به پیچیدگی مفهوم ثنویت در دین زرتشتی و تحولات آن در طول تاریخ، بحث خود را آغاز کردند. سپس با انتخاب بخش‌هایی از خود گاهان (سروده خود زرتشت و بازتاب اندیشه‌های عمیق او) و مقایسه چندین ترجمه از آن، به بررسی ثنویت در دین زرتشت پرداختند.

منابع در مورد استنباط خود زرتشت از این موضوع محدود است. آنچه از گاهان بجا مانده تنها ۱۷ سرود است در دل یسنا که زبان شعریدشوار و مشکلات دستوریترجمه آن را دشوار کرده است. در این دین، خدای مطلق اهوره مزدا است که امشاسپندان جلوه‌های خاص او و اهریمنروح مخرب است.

در این تقابل خوبی و بدی، جایگاه اهوره مزدا کجاست؟ در بند بحث‌انگیز سوم از هات سی که همه درمورد ثنویت به این بند استناد می‌کنند، از دو مینو در آغاز آفرینش سخن رفته است.

مینو یعنی روان، اندیشه، جهان، اصل. زرتشت در همه گاهان از دو مینو یا دو اصل نیک و بد صحبت می‌کند، دو اصلی که در همه ادیان توحیدی نیز وجود دارد. تفاوت آن با سایر ادیان توحیدی این است که عامل شر، در دین‌های توحیدی، سامی، شیطان است که آفریده خدا بود.

اما در دین زرتشت، مینوی بد آفریده اهوره مزدا نیست و درمورد سرمنشا آن سکوت شده است. دومینو می‌تواند دو روش

گزارش:  
مریم رشیدی آلاشتی



معاونت پژوهشی و گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی با همکاری انجمن علمی دانشجویان تاریخ به مناسبت هفته پژوهش برگزار می‌کند: به مناسبت هفته پژوهش، نشست با عنوان «ثنویت از نگاه





ثنویتی چون تمایل دارد که شر را در مرتبه فروتر قرار دهد، توحید است. به این ترتیب، در همه دین‌های یکتاپرست به وجود شر باور دارند و همه آنها باور دارند که خدای نیکی برای جنگ با شر به پیروانش احتیاج دارد. بنابراین، در ثنویت دین زرتشتی با ادیان ابراهیمی چندان تفاوتی نیست و زیربنای فکری همه آنها توحید است.

اندیشه باشد که آزادی انتخاب را هموار می‌سازد. ایشان اهمیت مفهوم انتخاب و گزینش را در گاهان مورد بحث قرار دادند، که این دو مینو به واسطه گزینش خود، بدی یا خوبی را برگزیدند و هیچ ارتباطی با سرشت آنها ندارد. اهوره‌مزدا مسئولیتی در قبال شر ندارد ولی از این انتخاب خبر داشته و مانع آن نشده است، چون اهوره‌مزدا، فراتر از هر تضادی است.

و سبست‌آکید کردند که بسیاری منظور از ثنویت را در دین زرتشتی، اعتقاد به وجود دو خدا تصور می‌کنند. اگر منظور از خدا، آفریننده و خالق جهان مادی باشد، در این دین به گواه همین متون، آفریننده دیگری وجود ندارد. اهریمن منشأ بدی‌ها دانسته می‌شود اما خلقت مادی ندارد و به نوعی شر مطلق است. آفریننده جهان مادی به شهادت گاهان اهوره‌مزدا است که در متون دینی هم به آفرینندگی او تأکید شده است. پس تعلیم زرتشت تعالیم توحیدی و در عین حال ثنوی است.

مشخص نیست که خود زرتشت، خود را ثنوی می‌دانسته یا نه؟ این کلمه یا معادل آن در گاهان نیامده است.

اگر به خود زردشتیان هم درک توحیدی از پیام زرتشت دارند که تأییدی است بر بحث ما. در این اعتقاد گوهر هستی یکی است و آن اهوره‌مزدا است که منشأ همه خوبی‌هاست و همه چیز از اوست. و هر چیزی که در تقابل با اوست، واقعی است اما ناهستی است.

ایشان در انتها به ارتباط ثنویت و توحید پرداختند که پیوستگی ثنویت با وحدت به قدری زیاد است که می‌توان این‌طور استنباط کرد که ثنویت چیزی جز تشدید خصوصیتی که ذاتی هر دین وحدانی است، نیست. هر توحیدی، ثنویتی است و هر

## سخنرانی دکتر آرزو رسولی (طالقانی) در نشست مجازی سپندارمذگان روز زن و زمین در ایران باستان



گزارش:  
تگین جلالی

سخن پرداخت که شرح آن در زیر می‌آید:

«ایرانیان روز سپندارمزد که روز پنجم ماه سپندارمزد بوده است را به عنوان روز زن گرامی می‌داشتند، هموطنان زرتشتی ما نیز همچنان این روز را جشن می‌گیرند. همچنین، در ایران باستان، هر روز از ماه به نام یکی از امشاسپندان اختصاص داشت که می‌توان، آثار آن را در نام ماه‌های تقویم رسمی ما ایرانیان، مشاهده کرد».

سپس، ایشان به این موضوع اشاره کردند که هنگامی که نام روز و ماه با یکدیگر برابر باشند، جشنی به همین مناسبت برپا می‌شود، پس با تطبیقافتن روز و ماه اسفند، جشن سپندارمزدگان یا اسفندگان بو برگزار می‌شود که ایرانیان باستان در این روز به پاسداشت زن و جایگاه والای او می‌پرداختند، در واقع سپندارمزدگان، روز زن ایرانیان بود که این امشاسپند، امشاسپندی مادینه بود که موکل بر زمین خوانده می‌شد. با توجه به اختلافاتی که از نظر گاهشماری میان تقویم زرتشتی و تقویم رسمی کشور وجود دارد، روز سپندارمزد، روز پنجم اسفند است. در ایران باستان ماه‌ها ۳۰ روزه بوده و در حال حاضر نیز در تقویم زرتشتیان، ماه‌ها همچنان سی روزه هستند، به همین دلیل، در تقویم زرتشتی، پنجم اسفند با ۲۹ بهمن در تقویم رسمی کشور ما مصادف است.

انجمن علمی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی و کانون ایرانشهر دانشگاه علامه طباطبایی با همکاری صفحه اینستاگرام ایران زمین برگزار می‌کنند:

iranshahr\_atu  
iranzamin.ir  
جمعه ۸ اسفندماه، ساعت ۲۱

### سپندارمذگان

روز زن و زمین در ایران باستان

خانم دکتر آرزو رسولی طالقانی (معاونت علمی دانشگاه شهید بهشتی) (انوارنده سازه قانون و چنگ های باستانی ایران)

خانم رایحه زند (مهندسار و فعال میراث فرهنگی)

خانم یسنا خوسفکر

کانون ایرانشهر دانشگاه علامه طباطبایی و صفحه ایران زمین به همت انجمن علمی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، در تاریخ ۹۹/۱۲/۸ نشستی با موضوع «سپندارمذگان روز زن و زمین در ایران باستان» در صفحه مجازی ایران زمین، برگزار کردند، در این نشست مجازی خانم دکتر رسولی به ایراد

داشته که تمام سال شوهرانشان را از خود راضی نگه داشته و کارهای خانه را انجام داده و به پاداش آن در آخر سال، هدایایی از شوهرانشان دریافت می‌کردند. اما بنا بر آنچه که از سخنان گردیزی می‌توان دریافت، در این روز، زنان آزاد بوده و از هنجارهای روزمره، خارج شده و بر شهر حکم می‌راندند و همچنین در معاشرت با مردان آزاد بودند و به ویژه این که دختران دم بخت، تشویق می‌شدند تا همسری انتخاب کنند و به همین دلیل این جشن «مردگیران» خوانده شد. اما با بسط اندیشه‌های دینی، ماهیت این جشن تغییر و به جشنی برای زنان شوهردار که به پاس یک سال خانه‌داری از همسران خود هدیه می‌گرفتند، مبدل گشت». دکتررسولی افزودند: «در هر صورت و با هر نامی، این روز، روز زن ایران باستان بوده که به مرور به فراموشی سپرده شد، همچنین در این روز است که نام سپندارمزد با نام زمینگره خورد و زمین نیز نقش مادری بر تمام موجودات را یافت. در اندیشه‌های ایرانی نیز، سپندارمزد که امشاسپند موکل بر زمین است، مادر آدمیان خوانده می‌شود».

و در ادامه دکتررسولی از جایگاه زنان در ایران باستان سخن راند و گفت: «ما می‌دانیم که هخامنشیان، هم در ساختار حکومتی و هم ساختار اجتماعی‌شان وام‌دار ایلامیان بوده‌اند، پس بهتر است که در ابتدا از نقش زن در ایلام باستان سخن بگوییم. در ایلام باستان خدای بانوان مقامی بالا داشت که این امر نشان‌دهنده مقام بالای زن در این تمدن است، در میان پادشاهان ایلام فرزندی به جانشینی انتخاب می‌شد که

ایشان افزودند: «آب و زمین، دو عنصر حیات‌بخش‌اند که در اندیشه ایرانیان باستان با زن در ارتباط بوده‌اند، به علاوه، این زن بود که اجاق خانواده را روشن و خانواده را گرد هم می‌آورد. پس می‌بینیم که زن با عنصر زندگی‌بخش دیگری که همان آتش است، در ارتباط بوده و این امر نشان‌دهنده آن است که در باور ایرانیان زن، زندگی‌بخش بوده و دلیل نامگذاری زن به این نام نیز از همین امر نشأت می‌گیرد». در ادامه دکتررسولی به این اشاره کردند که در اساطیر ایران، همیشه تعادلی میان زن و مرد مشاهده می‌شود، برای مثال: از میان شش امشاسپند که به نوعی صفات باری تعالی محسوب می‌شوند، سه امشاسپند نرینه و سه امشاسپند نیز مادینه‌اند و البته، سپندارمزد نیز مادینه است. به این ترتیب خلوص و بردباری مقدس نیز صفتی هم برای خداوند و هم برای زمین و هم نمادی از زن به شمار می‌آید.

دکتررسولی در اشاره به باور به این که، جشن سپندارمزدگان روز عشق ایرانی است، گفتند: «در منابع، جشن سپندارمزدگان با نام‌های دیگری نیز خوانده می‌شود، برای مثال: مزدگیران، مژده‌گیران و مردگیران. همچنین، گفته می‌شود که مناسکی نیز در پایان این جشن اجرا می‌شود، اما در هیچیک از منابع، به این که این روز، مصادف با روز عشق است، اشاره‌ای نشد».

ایشان ادامه دادند: «در گذشته که این جشن مختص به زنان و به نوعی پاسداشت آنها بود، مردان به زنان بخشش می‌کردند که در فارسی مژده‌گیران خوانده می‌شد و به نظر می‌رسد، این روز به زنان پاکدامن و شوهردوست اختصاص

کردند که از اشکائیان اطلاعات زیادی باقی نمانده است. ایشان در پایان به جایگاه زن در عصر ساسانی پرداختند و گفتند: «نخستین بار در این عصر است که زنی به نام پوران دخت به پادشاهی می‌رسد و براساس آنچه که مرسوم بود، پادشاه می‌بایست دارای خون پادشاهی و از خاندان ساسانی باشد و تنها خاندان ساسانیدارای فرّه ایزدی بودند و زمانی که وارث پسری وجود نداشت، دختری به شاهنشاهی رسید.

او کوشید تا اوضاع را سامان بخشد و ثبات را به شاهنشاهی ساسانی بازگرداند و برای این کار، پوران دخت، ابتدا پیمان صلحی با بیزانس منعقد و از میزان مالیات‌ها کاست. او کوشید تا عدالت اجتماعی را گسترش دهد و با اقداماتی که انجام داد، جان تازه‌ای به شاهنشاهی ساسانی بخشید و پس از آن نیز به ضرب سکه‌هایی پرداخت که با سکه‌های پدرش، خسرو پرویز مطابقت داشت. پوران دخت که ملکه مدبری بوده، متأسفانه در سال دوم سلطنتش، به دست سپاهبدی کشته شد و چه بسا اگر کشته نمی‌شد، می‌توانست شاهنشاهی ساسانی را نجات دهد کماکان که با کشته شدن او شاهنشاهی ساسانی دچار هرج و مرج شد و در نهایت نیز به فروپاشی شاهنشاهی ساسانی ختم شد.»



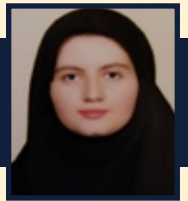
مادرش شاهدختی ایلامی باشد، پس این موقعیت مادر بود که به ولیعهد مشروعیت اعطا می‌کرد.»

ایشان، سپس با گذر از ایلام باستان به هخامنشیان اشاره کردند و گفتند: «در عصر هخامنشیان، شکوه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران به حدی بود که بسیاری از یونانیان آرزوی دستیابی تابعیت ایران را داشتند، اسناد زیادی از حقوق دستمزدها برجای مانده که می‌توانیم موقعیت زنان را در دوره هخامنشی بازسازی کنیم. به این صورت، شاهد مشارکت اجتماعی زنان هستیم که در کنار مردان و از حقوق برابر برخوردار بودند. آنها حتی، گاهی کارهای سختی را بر عهده داشتند و زنان بسیاری در عرصه کشاورزی فعالیت می‌کردند.

به علاوه، زنان، برای آموختن مهارت‌های آموزشی، با مردان برابر بوده و آموزشیکسانی داشتند و این برابری را می‌توان براساس آنچه از اسناد باقی مانده در میزان حقوقشان نیز مشاهده کرد.»

دکتر در ادامه صحبت‌هایشان به این موضوع تأکید

## سخنرانی دکتر احسان افکنده در نشست مجازی جهان باستان در ستیز و سازش ایران و روم



گزارش:  
حانیه قزوینی

و روم» با سخنرانی دکتر احسان افکنده در صفحه اینستاگرام انجمن علمی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی برگزار کرد.

در ابتدا، دکتر افکنده در پاسخ به سوال دبیر برنامه درباره تاثیر ستیز و سازش ایران و روم در تحولات جهان باستان گفت: ستیز و سازش‌های ایران و روم فقط برای پژوهشگران معاصر و تاریخ‌نگاران ایران باستان اهمیت دارد که در آن دوره نیز دارای اهمیت بوده و در شکل‌گیری جهان باستان تاثیر داشته است. طبیعتاً یکی از چیزهایی که در مدت مدیدی اتفاق افتاد نوعی هم‌کنش سیاسی در حوزه مدیترانه و بخشی هم در خاور نزدیک باستان در مراودات دو همسایه همجوار بوده است که در شکل‌گیری جهانی که می‌شناسیم تاثیر داشته است.

وقتی می‌گوییم جهان؛ دو تعبیر هست، یکی واقعیت فیزیکی که همان زمین است و طبیعتاً منظور ما از جهان این نیست، بلکه جهان شناخته شده برای مردمانی مثل ما و همسایگانمان است. جهان شناخته شده‌ای که توسط جغرافی‌دانان یونانی و رومی تصویر آن شکل گرفت و وارد جهان اسلام شد و بعد هم بسط آن را در ادوار بعد دیدیم.

این عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی درباره اینکه بین ایران و روم باستان جدای جنگ‌ها و سازش‌ها چه تبادلات و تاثیرات فرهنگی، تمدنی و اندیشه‌ای وجود داشته که در تغییر و تحولات بعدی ایران و روم اثر گذار بوده است، گفت: باید

برنامه LIVE اینستاگرام  
انجمن علمی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی  
با همکاری نشریه دانشگاه کلیو تقدیم میکند:  
نخستین نشست از سلسله نشست‌های تاریخ جهان

### جهان باستان در ستیز و سازش ایران و روم

دکتر احسان افکنده  
عضو هیئت علمی  
گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

علیرضا عسکری  
مدیر محتوایی نشریه کلیو

پنجمه، ۱۵ آبان ۱۳۹۹  
ساعت ۲۱:۰۰

Sbu\_history  
clio\_journal

انجمن علمی تاریخ دانشگاه شهید بهشتی با همکاری نشریه «کلیو» در تاریخ ۱۳۹۹/۸/۱۵ اولین نشست از سلسله نشست‌های تاریخ جهان را با موضوع «جهان باستان در ستیز و سازش ایران

یا هویتی شما ندارند و شرایط آن روزگار غنی‌تر از آن بود که فقط ایران و روم را در جنگ ببینیم.

در بخش دیگر این نشست، دبیر برنامه درباره نقطه برخورد ایران و روم، یعنی منطقه میان‌رودان و شامات، و نحوه تعامل آنان از نظر کنش‌های سیاسی و فرهنگیو تاثیر هر یک از تمدن‌ها بر این منطقه پرسید که دکتر افکنده پاسخ داد: التقاط در میان‌رودان به خیلی قبل‌تر برمی‌گردد و براساس قدیمی‌ترین سندی که از این منطقه در دست داریم، آنها سرزمینی با هویت التقاطی بودند و این ویژگی تمدن بین‌النهرین را به وجود آورد و این منطقه بنابر جغرافیا و پتانسیل‌های فرهنگی واجد شرایط التقاطی بوده و حاکمان ایران متوجه این ویژگی بودند. بنابر این شاید بشود گفت منطقه میان‌رودان حکم کاتالیزور را در تاثیرگذاری ایران بر روم و برعکس داشت. در نتیجه طبیعتاً ایران و روم تاثیراتی داشتند هرچند ایران تاثیر بیشتری بر این منطقه گذاشت؛ چرا که بخش بیشتری از میان‌رودان تحت حاکمیت ایران و ساسانیان بود و مهاجرت ایرانیان به این منطقه از دوره هخامنشی بسیار بوده است؛ اما تصور بنده این است که دامنه مداخلات و درگیری‌های ایران و روم تاثیر و خرابی کمی بر میان‌رودان داشت؛ چرا که مستقیم در معرض حملات رومی‌ها قرار نگرفت و فقط مناطق روستایی و دم‌مرز که اهمیت چندانی نداشت، آسیب دید. ولی از جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی این برهم کنش‌ها فراوان بوده است.

در پایان این نشست از دکتر افکنده درباره تفاوت‌های اساسی بین سیاست خارجه ساسانیان و اشکانیان در قبال رومیان و مولفه‌های سیاست خارچیدر گذر زمان از اشکانیان به

پذیریم که جنگ تنها عنصر ارتباطی بین ایران و روم نبود، بلکه شاهد وجود عناصر اقتصادی و اجتماعی که منجر به بده و بستان می‌شد، هستیم که البته آگاهانه نبوده و پس از دهه ۶۰ میلادی به آن توجه شد.

به نظر می‌رسد آیت‌های فرهنگی بین دو تمدن جابه‌جا شده که نشانه‌های آن را می‌توان در دوره باستان متاخرتر و تغییرات در روم بعدی و متاثر از ساسانیان دید، برای مثال نگاه به قدرت و دموکراسی در روم تغییر کرد و ابن‌اثرگذاری البته تا دوره پس‌ساسانی ادامه داشت، در این تاثیرگذاری معنای فرمانروا به ثقل جهان و منجی جهان و حتی برای پادشاهان مسیحی، به جانشین مسیح تغییر کرد.

از طرف دیگر دین مسیحیت به صورت چشمگیر در دوره ساسانی وارد ایران می‌شود و این موضوع به خاطر سیاست‌هایی بود که ساسانیان برای انتقال اسرا و مهاجرت مردم به سرزمین‌های فتح شده در نواحی ایرانشهر داشتند و در چهار قرن گسترش پیدا کرد. از سوی دیگر حتی نگاه موبدان زرتشی و دین مردم‌دراثر این مواجهه تغییر کرد و نگرش آنها به امر قدسی جهان تیز عوض شد که همه اینها را می‌توان ذیل برهم کنش فرهنگی در آن دوره قرار داد.

در بحث اقتصاد می‌توان گفت تاثیرات و عناصری را از جهان یونانی و رومی گرفتیم مثلاً واحد پولی دینار را از یونان گرفتیم، یا در بحث تجارت ابریشم، یونانی‌ها از ایران تاثیر گرفتند و این طور نبود که حدوداً هشتصد سال در جهانی دائماً در حال جنگ بوده باشند، بلکه جهانی داریم پر از مبادله و بسط ایده‌ها از سرزمینی به سرزمین دیگر و ایده‌ها کاری به وابستگی نژادی

و شناخت توانایی‌ها و محدودیت‌های طرف مقابل و از سوی دیگر رابطه ضعف و قدرت در دو طرف بوده است.

وی در پاسخ به سوالی درباره اقتصاد و تجارت و راه‌هایی که از شرق آسیا به اروپا جریان داشت گفت: از نظر من پژوهش درباره جهان باستان در موضع ضعف است برای مثال وقتی بحث مطالعات اقتصادی ساسانیان به میان می‌آید، ما در موضع قوت نیستیم و دلیل آن هم پراکندگی و کمبود منابع است که عملاً پژوهشگر تاریخ ساسانیان را در بحث اقتصادی در موضع ضعف قرار می‌دهد. البته کوشش‌ها و اطلاعات جدید خیلی کمک کردند؛ ولی باز هم در مقایسه با اقتصاد چین باستان کم هستند.

ایران دوره ساسانی وضعیت میانی داشته، البته این سخن به آن معنی نیست که تولید در ایران نبوده؛ ولی در مقیاس جهان باستان تولید کننده نبودند و واژه اقتصاد در آن دوره نه در زبان پهلوی که در زبان اروپا هم ایجاد نشده بود. ایران در آن دوران نقش واسطه و میانجی بین شرق و غرب و کنترل تجارت و انحصار مبادلات را داشته است. یعنی سعی می‌کردند بر میزان ورود و خروج و کیفیت و قیمت کالاها نظارت داشته باشند، به صورت کلی اقتصاد ساسانی میانجی‌گری بین شرق و غرب بوده و ممکن است خورده گرفته بشود که شواهد جدید حاکی از صادرات است. مثلاً در ایران شمشیر و لوازم آرایشی تولید می‌شده اما پایه اصلی اقتصاد ساسانی بر پایه کشاورزی بوده است.



ساسانیان پرسیده شد که وی در پاسخ بیان کرد: در کتاب‌ها به راحتیاز روی شواهد مستقیمی که به دست آمده درباره تفاوت این دو حکومت صحبت می‌شود؛ اما باید توجه کرد که با قطعیت نمی‌توان گفت تفاوت چندانی وجود داشته است.

به لحاظ نظامی سیاست خارجی از سوی قدرت شرق فراتر یکجورهمزمانی داشت با وضعیت قدرت در امپراطوری روم، یعنی اگر روم در وضعیت ضعف قرار داشت، ایران سیاست تهاجمی در پیش می‌گرفت و اگر روم دارای شرایط خوبی بود، سیاست تهاجمی ایران کمتر می‌شد.

این عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد: باید گفت که نه به صورت صد درصد؛ اما اشکانیان و ساسانیان کم و بیش شبیه هم بودند و اگرچه ساسانیان در سال‌های اول پیروزی‌هایی داشتند؛ اما تفاوت چندانی با اشکانیان نداشتند و عامل تعیین کننده در سیاست‌های آنان ظهور امپراطوری جدید

## سایر نشست‌های اساتید گروه تاریخ

سخنرانی دکتر احسان افکنده در نشست مجازی بررسی تاریخی جشن مهرگان

انجمن علمی دانشمپن تاریخ معاونت فرهنگی دانشگاه الزهرا برگزار می‌کند

برنامه **LIVE** اینستاگرام

**نشست علمی بررسی تاریخی**

**جشن مهرگان**

با حضور

**LIVE**

**دکتر سیدتوفیق حسینی**  
استادیار تاریخ دانشگاه الزهرا

**LIVE**

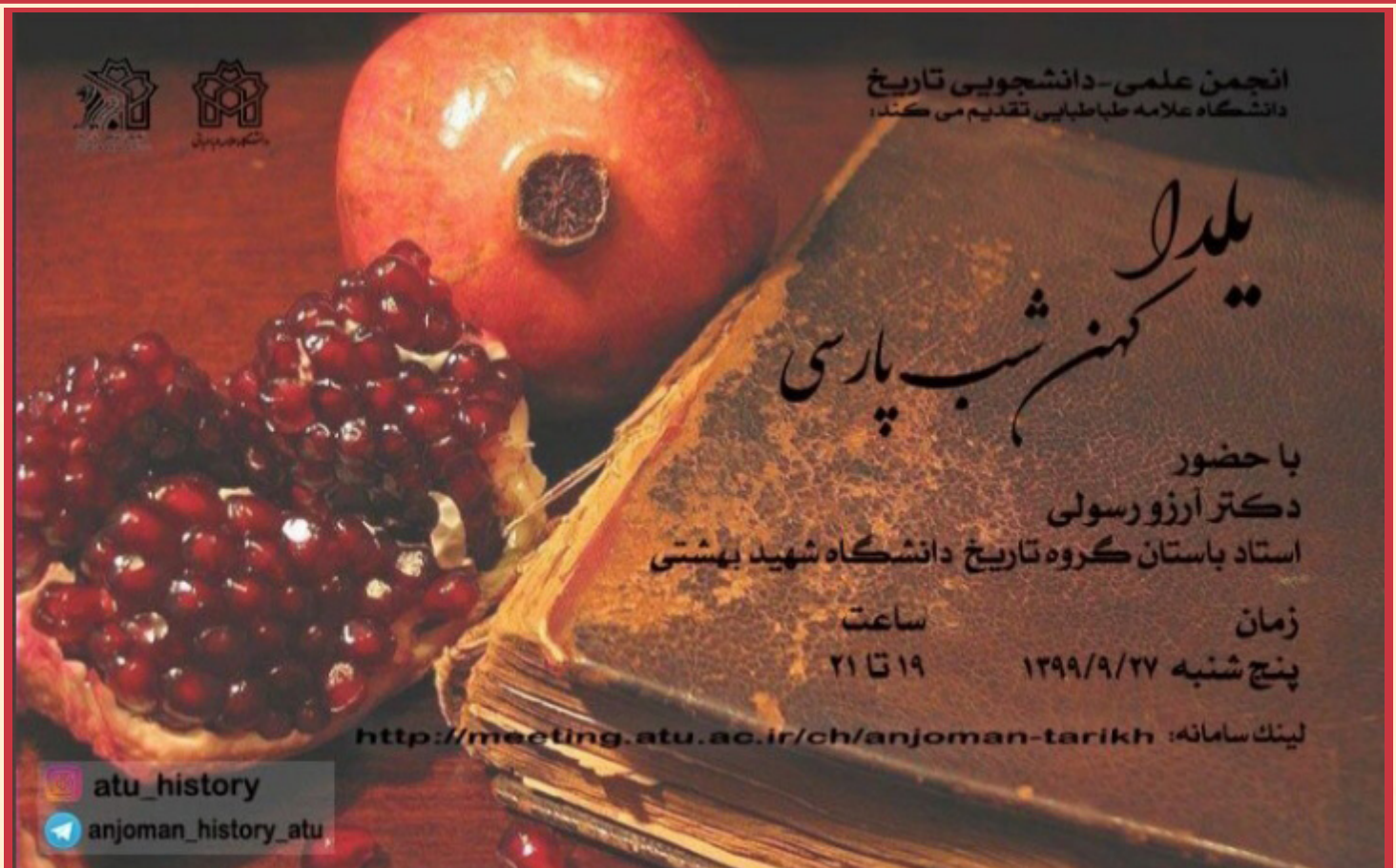
**دکتر احسان افکنده**  
استادیار تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

زمان:  
چهارشنبه ۱۶ مهر ماه  
ساعت ۱۶ الی ۱۸

**alzahra\_history**



## سخنرانی دکتر آرزو رسولی (طالقانی) در نشست مجازی یلدا کهن شب پارسی



انجمن علمی - دانشجویی تاریخ  
دانشگاه علامه طباطبائی تقدیم می کند:

# یلدا کهن شب پارسی

با حضور  
دکتر آرزو رسولی  
استاد باستان گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

زمان  
پنج شنبه ۱۳۹۹/۹/۲۷

ساعت  
۱۹ تا ۲۱

لینک سامانه: <http://meeting.atu.ac.ir/ch/anjoman-tarikh>

atu\_history  
anjoman\_history\_atu

